

# شيعه و بيت المقدس

ترجمه ى كتاب: (الشيعه والمسجد الأقصى)

نويسنده:

طارق احمد حجازى

مترجم:

عبدالقدير ميرزى

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

**www.aqeedeh.com**

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

#### سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
افترايي در يك كتاب!!.....	۷
جاىگاه مسجد الاقصى در تفاسير شيعه.....	۹
۱- تفسير صافى.....	۹
۲- تفسير نور الثقلين.....	۱۰
۳- تفسير عياشى.....	۱۱
۴- البرهان فى تفسير القرآن.....	۱۲
۵- بيان السعاده.....	۱۳
جاىگاه مسجد الاقصى در مراجع شيعه.....	۱۵
۱- بحار الأنوار.....	۱۵
۲- منتهى الآمال.....	۱۵
۳- كامل الزيارات.....	۱۶
۴- الصحيح من سيرة الرسول الأعظم.....	۱۷
۵- الكافى.....	۱۸
۶- علل الشرايع.....	۱۹
۷- المصباح فى الادعية و الصلوات و الزيارات.....	۱۹
۸- تفصيل وسائل الشيعه.....	۲۰
برترى مسجد كوفه بر سه مسجد ذكر شده، نزد شيعه ها.....	۲۱

- کربلا از کعبه و مسجد الاقصی برتر است!! ..... ۲۴
- گفتار شیعیان معاصر در خصوص جایگاه مسجد الاقصی ..... ۲۸
- کربلا را قبل از قدس آزاد سازید!! ..... ۲۸
- فضل و برتری نجف بر قدس، در شعر ابن معصوم!! ..... ۲۹
- آزاد نمودن قبه سامراء از آزاد سازی قدس مهم تر است ..... ۳۰
- سامراء و بقیع غرقند نزد شیعه ها از قدس اهمیت و جایگاه بیشتری دارند ..... ۳۰
- کانونهای (یا حسین) کانونهای ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه اقصی ..... ۳۱
- مسجد الاقصی در نوشته های یهود ..... ۳۵
- ماده قدس از دیدگاه بوهل ..... ۳۵
- إسحق حسون ..... ۳۶
- حوا لاتسروس یافه ..... ۳۷
- یهود الیطانی ..... ۳۷
- کستر (Kester M.J.) ..... ۳۸
- مسجد الاقصی در نوشته های مستشرقین؟! ..... ۳۹
- جولد تسیهر ..... ۳۹
- ریجیس بلاشیر ..... ۴۰
- خلاصه ..... ۴۲
- ارزش و جایگاه مسجد الاقصی نزد مسلمانان ..... ۴۳
- اصول و مبادی ما در مورد جایگاه مسجد الاقصی ..... ۴۵
- و در پایان می پرسیم ..... ۵۹
- گفتار پایانی ..... ۶۳
- اقوال و دیدگاه شیعه در مورد مسجد الاقصی به سه دسته تقسیم می شود: ..... ۶۳
- دیدگاه اول ..... ۶۳

---

---

۶۳	دیدگاه دوم.....
۶۴	دیدگاه سوم.....



## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف المرسلين، نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

شاید بعضیها نوشتن کتابی در مورد مسجد الاقصی و جایگاه آن در شریعت اسلامی، و اهمیت آن در دل مسلمانان را نادرست و بی ارزش تلقی کنند، زیرا این مسئله را از مسائل قطعی و ثابت شده‌ای می‌دانند که جای هیچ گونه بحث و مجادله‌ای نیست. و نیازی به توضیح و بیان ندارد؛ چرا که جایگاه و برتری آن با نص قرآن و حدیث پیامبر ﷺ و اجماع امت ثابت شده است؛ اما ما یقین داریم کسی که این رساله را مطالعه کند حقایقی برایش روشن می‌شود که پس از آگاهی از آنها و اطلاع پیدا کردن در مورد نیرنگ و فریبکاری‌های عده‌ای از مردم که ادعای یاری و نصرت مسجد الاقصی؛ سرزمین اسراء و معراج را دارند. و همچنین از دغل کاری و حقه بازیهای مردمانی که به ظاهر پرچم دفاع از مردم مستضعف فلسطین و مقدسات آنها را برافراشته‌اند پی ببرد عذر مرا هم خواهد پذیرفت.

به همین جهت دفاع از جایگاه و ارزش مسجد الاقصی، و آگاهی بخشی در مورد کتاب‌ها و مراجع مورد اعتماد، و ثقه شیعه‌ها- که کم هم نیستند- لازم و ضروری است!! آگاهی دادن در مورد چیزهایی که شیعه‌ها راجع به مسجد الاقصی که در فلسطین واقع شده است با دستان خود نوشته اند؛ مبنی بر اینکه آن مسجد هیچ گونه ارزش و جایگاهی ندارد بلکه مسجدی که دارای این جایگاه و ارزش است در آسمان قرار دارد!! و بیشتر مردم دچار خیال بافی شده‌اند که مسجد الاقصی را همان مسجد قدس می‌دانند!!.

ما تلاش نموده‌ایم که این پندارهای بی پایه و بی اعتبار را جواب دهیم و از زشتی و پلیدی آنها پرده برداریم، تا با سخن و قلم در کشف حقایق و برطرف نمودن پرده‌های

سیاه و تاریک سهمی داشته باشیم، و از دسیسه‌ها و نیرنگهایی که افترا گویان و دروغ پردازان در صدد نوشتن و ثبت آنها در کتاب‌هایشان هستند، مردم را مطلع نماییم. و همچنین در خلال بحث و بررسیهای خود ثابت نموده‌ایم که هرکس - از یهود و مستشرقین - که در صدد ایجاد شک و گمان در مورد جایگاه مسجد الاقصی بوده است، این گمان و پندارهای بی ارزش را از مراجع و کتاب‌های شیعه برکشیده و آنها را شمشیری تیز و برنده در راستای ثوابت و عقیده امت ما قرار داده است تا از ارزش و جایگاه مسجد الاقصی در دلهای مابکاهد.

می‌خواهم اشاره کنم که هدف ما از نوشتن این رساله همبستگی و هم صدایی مسلمانان و وحدت کلمه امت اسلامی و اتفاق بر مقدسات خود و همچنین دوستی کسانی که خداوند فتح و پیروزی را بر دستهای آنها قرار داده است می‌باشد. و از سوی دیگر جلوگیری از یورش لشکر پروفیسورهای یهود و مستشرقینی است که ماده کشنده و ویرانگر شک و شبهه را در کتاب‌های شیعه یافته و آنرا وسیله‌ای برای اهانت و بی ارزش جلوه دادن جایگاه مسجد الاقصی نزد مسلمانان قرار داده اند. پس بسیار ضروری است که در مورد این روایات شک آمیز و دروغین شیعه‌ها که در مورد ارزش و جایگاه مسجد الاقصی وارد شده‌اند تحقیق و بررسی به عمل آوریم و در راستای اثبات فضیلت و برتری بیت المقدس با دلایل و برهانهای دندان شکن گام برداریم.

والحمد لله رب العالمین

طارق احمد حجازی



## افترايي در يك كتاب!!

(مسجد الاقصی کجا است؟) نام و آدرس کتابی است که علامه شیعه «جعفر مرتضی عاملی» آن را نگاشته است و در آن چنین آمده است: (واقعیت‌هایی در خصوص مسجد الاقصی برای ما روشن گردیده که به طور قطع بیان می‌دارند که مسجد الاقصی در فلسطین واقع نمی‌باشد).

و اقوال و روایات زیادی را از مراجع و کتاب‌های سیره و تفاسیر گوناگون معتبر نزد شیعه‌ها را بیان می‌دارد که دال بر صحت تأویل او برای حادثه اسراء، و اینکه مسجد الاقصی مسجدی در آسمان می‌باشد!!!.

چنانکه تصریح می‌دارد که مسجد الاقصی مسجدی است در آسمان بر خلاف اعتقاد عموم مسلمانان که می‌گویند مسجد الاقصی همان قدس است!!.

و (عاملی) در کتابش به نام (الصحيح من سيرة النبي الأعظم)<sup>۱</sup> می‌گوید: (هنگامی که عمر وارد بیت المقدس شد مسجدی در آنجا وجود نداشت چه رسد به اینکه نامش را اقصی بنهند)<sup>۲</sup> (و مسجد الاقصایی که اسراء (شب روی) به سوی آن واقع شد، و خداوند دور و بر آن را پر برکت و گرمی داشته است، مسجدی است در آسمان)<sup>۳</sup>.

---

۱- برای تألیف این کتاب نه اینکه این تأویلات باطل و تردید آمیز در مورد جایگاه مسجد الاقصی و اینکه آن مسجد در آسمان است را از او قبول نکردند بلکه از طرف ایران جائزه ویژه را دریافت نمود، و از طرف (احمدی نژاد) رئیس جمهور ایران تکریم و تجلیل هم شد.

۲- الصحيح من سيرة النبي الأعظم (۱۳۷/۳) چاپ پنجم سال ۱۴۲۷ هـ- ۲۰۰۶ م مرکز پژوهشهای اسلامی.

۳- الصحيح من سيرة النبي الأعظم (۱۰۶/۳).

۴- الصحيح من سيرة النبي الأعظم (۱۲۸/۳، ۱۲۹).

و هنگامی که آراء و نظرات را در مورد تباه کاریهای یهود که دو بار در سوره اسراء ذکر شده بیان می‌دارد، سخن آنهایی که مسجد الاقصی را همان مسجد قدس می‌دانند را این گونه توصیف می‌کند: این سخنان، فرضیات و احتمالات غیر واقعی هستند. و به دنبال آن می‌گوید: می‌گوییم همه اینها پندارهایی هستند در خیال آنهایی که مسجد الاقصی را همان مسجد واقع در فلسطین می‌دانند و بدان استدلال می‌کنند.<sup>۱</sup>

و یکی دیگر از دلایلی که بدان استدلال می‌نماید مبنی بر اینکه مسجد الاقصی در آسمان می‌باشد!! روایتی است که در کتاب بحار الأنوار (مجلسی)<sup>۲</sup> آمده است:

«عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل فقال: المسجد الحرام، ومسجد الرسول صلى الله عليه وآله وسلم، قلت: والمسجد الأقصى جعلت فداك؟ فقال: ذاك في السماء، إليه أسري برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقلت: إن الناس يقولون إنه بيت المقدس؟ فقال: مسجد الكوفة أفضل منه!!».

از ابی‌عبدالله روایت شده که می‌گوید: از پیامبر خدا ﷺ سوال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت و برتری هستند، فرمود: مسجد الحرام، و مسجد پیامبر ﷺ گفتم مسجد الاقصی چه فدایت شوم؟ فرمود آن در آسمان است و پیامبر ﷺ به سوی آن اسراء نمود، گفتم: مردم می‌گویند که آن مسجد، همان مسجدی است که در بیت المقدس واقع است؟ فرمود: مسجد کوفه از آن برتر است

در این جا این سؤال مطرح است که آیا آنچه که عاملی می‌گوید از نظر شیعه ها جزو بدعتها و سخنان بی پایه محسوب می‌شود یا اینکه عقیده ای استوار و دیدگاه آنها است؟ برای جواب این سؤال به تفاسیر آنها مراجعه می‌کنیم تا ببینیم که مسجد الاقصی دارای چه جایگاهی است؟!

۱- الصحيح من سيرة النبي الأعظم (۱۳۹/۳).

۲- بحار الأنوار (۹۰/۲۲).

## جایگاه مسجد الاقصی در تفاسیر شیعه

### ۱- تفسیر صافی

در تفسیر صافی تألیف (فیض کاشانی) در تفسیر آیه:

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ ۚ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا حَوْلَهُ ۚ لَنُريَهُ ۚ مِنْ ءَايَاتِنَا ۚ إِنَّهُ ۖ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾﴾ [الإسراء: ١]

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پربرکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند)

چنین آمده است: (یعنی به سوی مُلک عظیم مسجد الاقصایی که در آسمان واقع شده است، چنانکه در اخبار و روایات آشکار می‌شود).<sup>۱</sup>

و به دنبال سخن فوق این روایت را می‌آورد:

«روى القمى عن الباقر (عليه السلام) أنه كان جالساً فى المسجد الحرام فنظر إلى السماء مرة وإلى الكعبة مرة ثم قال: ﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ ۚ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا حَوْلَهُ ۚ لَنُريَهُ ۚ مِنْ ءَايَاتِنَا ۚ إِنَّهُ ۖ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾﴾».

---

۱- تفسیر صافی تألیف فیض کاشانی (۱۶۶/۳) مؤسسه چاپ و نشر العلمی.

وكرر ذلك ثلاث مرات ثم التفت الى إسماعيل الجعفی فقال: أى شيء يقول أهل العراق في هذه الآية يا عراقي؟ قال: يقولون: أسري به من المسجد الحرام إلى بيت المقدس؛ فقال: ليس كما يقولون، ولكنه أسري به من هذه إلى هذه، وأشار بيده إلى السماء، وقال بينهما حرم<sup>۱</sup>.  
 قمی از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> روایت می کند که او در مسجد الحرام نشسته بود، نگاهی به آسمان و سپس به کعبه نمود و این آیه را تلاوت نمود:

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا لَهُ خِزْيَانًا لِّلْغَنَىٰ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾<sup>(۱)</sup>

این کار را سه بار تکرار نمود و سپس رو به اسماعیل جعفی کرد و گفت: ای عراقی! اهل عراق در مورد این آیه چه می گویند؟ گفت: می گویند: پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> در حادثه اسراء از مسجد الحرام به بیت المقدس برده شد، گفت: نه، چنین نیست که آنها می گویند بلکه از اینجا به آنجا برده شد و با دستهایش به آسمان اشاره نمود و گفت: مابین آنها حرم است.

## ۲- تفسیر نور الثقلین

(حویزی)<sup>۲</sup> در تفسیر نورالثقلین، تفسیرسوره اسراء را با ذکر روایات گذشته و تأکید بر آنها، این چنین آغاز می کند.

از سالم حنط از مردی از ابی عبدالله<sup>علیه السلام</sup> روایت می کند که گفت: در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت هستند از او سؤال نمودم در جواب گفت: مسجد الحرام، و مسجد پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup>. گفتم: مسجد الاقصی چه جانم فدایت؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> به سوی آن اسراء نمود، گفتم: مردم می گویند که آن مسجد همان بیت المقدس است؟ گفت: (مسجد کوفه از آن برتر است)<sup>۳</sup>.

۱- منبع سابق (۱۶۶/۳).

۲- او عبدعلی بن جمعه العروسی حویزی، متوفای سال ۱۱۱۲ هـ می باشد.

۳- تفسیر نورالثقلین، عبدعلی حویزی، با تصحیح و شرح هاشم محلاتی (۹۷/۳) چاپ اول سال ۱۴۲۴ هـ دار التفسیر- قم ایران.

(حویزی) از قول علی بن ابراهیم، می‌افزاید که گفت: خالد از حسن بن محبوب از محمد بن یسار از ابی مالک ازدی از اسماعیل جعفری روایت نموده که گفت: من در مسجدنشسته بودم و ابو جعفر علیه السلام نیز در گوشه‌ای از مسجد حضور داشت و سر را بلند کرد و به آسمان نگریست و سپس به کعبه نگاه کرد و گفت:

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْأَيْنَانِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الإسراء: ۱]

«تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پربرکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند)».

وسه بار این آیه را تکرار نمود و سپس به من نگاه کرد و گفت: ای عراقی! اهل عراق در مورد این آیه چه می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله از مسجد الحرام به بیت المقدس، به اسراء برده شد، گفت: (نه چنین نیست که آنها می‌گویند، بلکه از این جا، به آنجا (و با دستهایش به آسمان اشاره نمود) به اسراء برده شد، و گفت: و حرم مابین آن دو است<sup>۱</sup>.

### ۳- تفسیر عیاشی

عیاشی در تفسیر آیه اول سوره اسراء روایتی را می‌آورد که بر آن تأکید دارد که مسجد الاقصی در آسمان قرار دارد، و می‌گوید:

۱- تفسیر نور الثقلین (۹۸/۳).

«عن سالم الحنط عن رجل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، و مسجد الرسول صلى الله عليه وآله، قلت: والمسجد الأقصى جعلت فداك؟ قال: ذلك في السماء، إليه أسرى رسول الله صلى الله عليه وآله فقلت: إن الناس يقولون إنه بيت المقدس؟ فقال مسجد الكوفة أفضل منه»<sup>۱</sup>!!.

«از سالم حنط از مردی او هم از ابی عبد الله عليه السلام روایت نموده که گفت: از ابی عبد الله عليه السلام سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجد الرسول صلى الله عليه وآله گفتم: مسجد الاقصی چه، فدایت شوم؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبر صلى الله عليه وآله به سوی آن اسراء نمود. گفتم: مردم می گویند: مسجد الاقصی همان بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!!.

#### ۴- البرهان فی تفسیر القرآن

بحرانی در تفسیر (البرهان فی تفسیر القرآن) روایتی را- که در بیشتر و مهمترین تفسیرهای شیعه تکرار شده، و همچنین طباطبائی نیز در تفسیر المیزان آن را ذکر نموده است- آورده که (گمان او) به طور قطع دال بر این است که مسجد الاقصی در آسمان است. «عن سالم الحنط عن رجل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، و مسجد الرسول صلى الله عليه وآله، قلت: والمسجد الأقصى جعلت فداك؟ قال: ذلك في السماء، إليه أسرى رسول الله صلى الله عليه وآله فقلت: إن الناس يقولون إنه بيت المقدس؟ فقال مسجد الكوفة أفضل منه»<sup>۲</sup>!!.

از سالم حنط از مردی او هم از ابی عبد الله عليه السلام روایت نموده که گفت: از ابی عبد الله عليه السلام سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجد الرسول صلى الله عليه وآله گفتم: مسجد الاقصی چه، فدایت شوم؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبر صلى الله عليه وآله به سوی آن اسراء نمود. گفتم: مردم

۱- تفسیر عیاشی؛ تألیف محمد بن عیاش سلمی سمرقندی، با تحقیق هاشم محلاتی (۳۰۲/۲) چاپ اول سال ۱۴۱۱ هـ- ۱۹۹۱ م مؤسسه چاپ اعلمی.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، تألیف: هاشم بحرانی (۵۲۲/۴) چاپ اول سال ۱۴۱۹ هـ- ۱۹۹۹ م مؤسسه اعلمی.

می‌گویند: مسجد الاقصی در بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!

## ۵- بیان السعادة

سلطان جنابذی در کتاب (بیان السعادة فی مقامات العبادة) اقوال زیر را در تفسیر آیه اول سوره اسراء گرد آوری و بیان می‌دارد.

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ، لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا﴾ [الإسراء: ۱]

تسبیح و تقدیس خدایی را سزااست که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد.

یعنی مسجد الحرامی که در بیت المقدس است، یا به بیت المقدسی که در آسمان چهارم قرار دارد و به بیت المعمور نیز مشهور است که مسجد الاقصی نمادی از آن است و آن که ملکوتی و واقعی می‌باشد در آسمان است، همچنانکه مسجد الحرام نمادی از مسجد الحرامی است که حقیقتش در آسمان است).<sup>۱</sup>

و ﴿الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ﴾ [الإسراء: ۱]

را چنین تفسیر می‌نماید: (در واقع حوالی و دور و بر بیت المقدس، شام و مصر می‌باشد که این دو (منطقه) از سایر بلاد و شهرها جدا و متمایز می‌باشند زیرا دارای نعمتهای زیادی از هرجنس می‌باشند، و بیت المعمور که در آسمان چهارم است، مشخص است که حوالی و دور و برش دارای برکت بسیاری است).<sup>۲</sup>

آنچه گذشت بر آن دلالت دارد، که حدیثی که در بیشتر تفسیرهای شیعه آمده در رابطه بامسجدی است که پیامبر ﷺ به سوی آن به اسراء برده شد و آن در آسمان و در

۱- بیان السعادة فی مقامات العبادة، تألیف: سلطان محمد جنابذی، ملقب به سلطان علی شاه (۴۳۱/۲)

چاپ دوم سال ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م مؤسسه اعلمی.

۲- بیان السعادة (۴۳۱/۲)

بیت المعمور می‌باشد و نامش مسجد الاقصی، همانام مسجدی است که در قدس قرار دارد!!

هم اکنون به بیان و ذکر گوشه‌ای دیگر از مراجع مورد اعتماد شیعه‌ها می‌پردازیم تا خوانندگان محترم بیشتر با معتقدات و دیدگاههای آنها در مورد مسجد الاقصی آشنا شوند؟!.



## جایگاه مسجد الاقصی در مراجع شیعه

آنچه که در کتاب‌های شیعه آمده با اقوال و سخنانی که در بارزترین و مهمترین تفسیرهای آنان ذکر شده، تفاوتی ندارد، و هم اکنون به بیان جایگاه مسجد الاقصی در مهمترین و بارزترین کتاب‌های شیعه می‌پردازیم.

### ۱- بحار الأنوار

مجلسی در بحار الأنوار چنین ذکر می‌نماید:

«عن ابی عبد الله عليه السلام قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، و مسجد الرسول ﷺ قلت: و المسجد الاقصی جعلت فداك؟ قال: ذلك في السماء، إليه أسرى رسول الله ﷺ فقلت: إنَّ الناس يقولون إنه بيت المقدس؟ فقال: مسجد الكوفة أفضل منه»<sup>۱</sup>.

از ابی عبد الله عليه السلام روایت نموده که او گفت: از ابی عبد الله سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجد الرسول ﷺ گفتم: مسجد الاقصی چه، فدایت شوم؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبر ﷺ به سوی آن اسراء نمود. گفتم: مردم می‌گویند: مسجد الاقصی در بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!!

### ۲- منتهی الآمال

در کتاب منتهی الآمال، تألیف عباس قمی چنین آمده: «قول مشهور این است که مسجد الاقصی، همان بیت المقدس است، اما از مجموع احادیث زیادی که در این زمینه

---

۱- بحار الأنوار؛ تألیف: محمد باقر مجلسی (۱۳۹۷/۴۰۵) چاپ سوم سال ۱۴۰۳ هـ- ۱۹۸۳ م؛ دار احیاء التراث العربی.

وارد شده‌اند چنین بر می آید که مراد از آن، بیت المعموری است که در آسمان چهارم قرار دارد و دورترین مسجد هم می‌باشد»<sup>۱</sup>.

### ۳- کامل الزیارات

ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارات» چنین آورده است: از ابی‌عبدالله علیه السلام روایت است که گفت: «مردی پیش امیر المؤمنین آمد و ایشان در مسجد کوفه بودند، گفت: درود و سلام و برکات خدا بر تو باد ای امیر المؤمنین، امیر المؤمنین هم جواب سلام او را داد. آن مرد گفت: من می‌خواهم به مسجد الاقصی بروم اما خواستم که پیش از عزیمت به آنجا به حضور شما بیایم و از شما سلام و خدا حافظی بکنم، امیر المؤمنین علیه السلام گفت: برای چه بدانجا می‌روی؟ گفت: فدایت شوم برای ثواب و فضیلت، گفت: وسیله سواریت را بفروش و پول آنرا مصرف کن، و در این مسجد نماز بخوان، زیرا ادای نماز فرض در این مسجد، حج مبرور است، و ادای نماز سنت در آن عمره مبرور است، و مسافت دوازده میل از هرطرف آن مبارک است، و جهت راست آن دارای یمن و طرف چپش مبارک است و در وسط آن چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از آب است که برای مؤمنان شراب است، و نیز چشمه‌ای از آب است که برای مؤمنان وسیله پاکیزگی است، و حرکت کشتی نوح از آن سرگرفت، و نسر و یغوث و یعوق نیز در آنجا بوده‌اند، و هفتاد پیامبر و هفتاد وصی و جانشین در آنجا نماز خوانده‌اند که من یکی از آن وصی و ولیها می‌باشم، و گفت: هیچ مصیبت زده‌ای در آنجا دعا نکرده و طلب رفع مشکل ننموده مگر اینکه خواسته‌اش مستجاب گردیده و خداوند مشکلش را رفع نموده است»<sup>۲</sup>.

۱- منتهی‌الأمال تألیف: عباس قمی ص ۷۰.

۲- کامل الزیارات ص ۸۰، و بحار الأنوار (۴۹/۹۷)، والوسائل (۳/۵۲۹)، و فروع الکافی تألیف ابی جعفر کلینی (۳/۴۹۱).

#### ۴- الصحيح من سيرة الرسول الأعظم

(جعفر عاملی) در کتاب (الصحيح من سيرة الرسول الأعظم) مقرر می نماید که: مسجد الاقصی، مسجدی است در آسمان و به حدیثی استناد می کند که نه از لحاظ سند صحیح است و نه از لحاظ متن، و آن را به پیامبر ﷺ نسبت می دهد و می گوید: پیامبر ﷺ فرمود:

«لما أُسْرِى بى إلى السماء إذا على العرش مكتوب: لا إله إلا الله محمد رسول الله، أيدته بعلى ﷺ»<sup>۱</sup>.

«هنگامی که به اسراء برده شدم دیدم که بر عرش نوشته شده بود: لا إله إلا الله محمد رسول الله، ایدته بعلى ﷺ».

یعنی هیچ معبودی جز الله وجود ندارد و پیامبر فرستاده او است که خداوند او را با على ﷺ تأیید و تقویت نمود. و در کتاب (المسجد الأقصى، أين؟) مسجد الاقصی کجا است؟) برای تأویل و توجیه سخن خود چنین دلیل می آورد: این از ساده ترین چیزهایی است که کلمه اقصی از لحاظ لغوی به معنی دور است و بلاغت قرآن کریم بهترین شاهد و دلیل بر این مدعا است آنجا که می فرماید:

﴿سُبْحَنَ الَّذِى أَسْرَى بِعَبْدِهِ، لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِى بَرَكْنَا حَوْلَهُ، لِنُرِيَهُ، مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الإسراء: ۱]

تسبیح و تقدیس خدایی را سزد که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی، از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می ماند).

۱- الصحيح من سيرة الرسول الأعظم (۱۰۱/۳).

اسراء یعنی رفتن در شب خواه این رفتن به صورت افقی باشد یا به صورت عمودی، و اقصی نیز به معنی دور و دوری است؛ پس بیت المقدس بر فرض اینکه مسجد الاقصی باشد، اگر چه از اهل حجاز دور است اما از اهل شام نزدیک است بر این اساس باید مسجد الاقصی از هرجهتی به صورت مساوی از همه مردم دور باشد، و ما با توجه به روایاتی که در این زمینه بیان نمودیم برآن تأکید کردیم که مسجد الاقصی در آسمان چهارم در بیت المعمور قرار دارد!!!

### ۵- الکافی

و در روایت الکافی چنین آمده: به او گفتم: به من خبر رسیده که شما یکی از نامهای خدا را می دانید که هر شب و روز به وسیله آن به بیت المقدس می رسید و به خانه خود باز می گردید، گفت: مگر شما بیت المقدس را می دانید؟ گفتم من تنها آن بیت المقدسی را می شناسم و می دانم که در شام قرار دارد؟ گفت: نه بیت المقدس آن نیست، بلکه بیت المقدس همان خانه آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد؛ به او گفتم: اما آنچه که من تا به امروز شنیده ام این است که بیت المقدس همان است (که در قدس قرار دارد)؛ گفت: نه آن محارِبِ الانبیاء است، و تا فتره و مدت زمان بین عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله بدان حظیره الانبیاء نیز می گفتند تا اینکه بلاها از جانب مشرکان و کینه توزی و گرفتاری و خصومت از طرف شیاطین و اهریمنان به بار آمد و تغییر و تحولاتهایی روی داد و آن نامها را نقل نمودند، چنانکه خداوند می فرماید: ظاهر و باطن برای آل محمد آشکار است:

﴿إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾ [النجم: ۱۲۳]

اینها فقط نامهایی (بی محتوی و اسمهایی بی مسمی) هستند که شما و پدرانتان (از پیش خود) بر آنها گذاشته اند. هرگز خداوند دلیل و حجتی (بر صحت آنها) نازل نکرده است.

## ۶- علل الشرایع

و در کتاب علل الشرایع به اسناد از علی بن سالم از پدرش از ثابت بن دینار روایت است:

«سألت زين العابدين علي بن الحسين بن علي ابن أبي طالب عليه السلام عن الله جل جلاله، هل يوصف بمكان، فقال: تعالى عن ذلك، قلت: فلم أسرى بنبيه عليه السلام إلى السماء، قال: ليريه ملكوت السموات، وما فيها من عجائب صنعه وبدائع خلقه...»<sup>۱</sup>.

از زين العابدين علی ابن حسین ابن ابی طالب عليه السلام پرسیدم که آیا خداوند جل جلاله مکان دارد؟ گفت: خدا برتر از آن است. گفتم: پس چرا به پیامبرش اسراء نمود و او را به آسمان فرا خواند؟ گفت: برای اینکه ملکوت آسمانها و شگفتیهای آفرینش و نوآوریهای خلقت را به او نشان دهد.

## ۷- المصباح فی الادعية و الصلوات و الزیارات

در حاشیه دعای معراج در کتاب (المصباح فی الادعية و الصلوات و الزیارات) تألیف تقی الدین کفعمی چنین آمده: (این دعا دارای ارزش زیاد و جایگاه ویژه‌ای است، امیرالمؤمنین عليه السلام آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که خلاصه آن چنین است: وقتی که به آسمان به اسراء برده شدم، پی در پی حجابها را می‌بریدم تا اینکه هفتاد هزار پرده را قطع و پاره کردم که مابین هر دو تا پرده به اندازه هفتاد هزار برابر فاصله مشرق و مغرب بود)<sup>۲</sup>.

۱- علل الشرایع، تألیف: محمدبابویه قمی (۱۶۰/۱) چاپ اول سال ۱۴۰۸هـ-۱۹۸۸م مؤسسه اعلمی در بیروت - لبنان.

۲- المصباح فی الادعية و الصلوات و الزیارات و الاحراز و المعوذات، تألیف تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، متوفای سال ۹۰۰هـ که حسین عاملی آن را تصحیح و آماده چاپ نموده ص ۳۶۳ چاپ دوم سال ۱۴۲۴هـ-۲۰۰۳م، مؤسسه چاپ اعلمی در بیروت لبنان.

## ۸- تفصیل وسائل الشیعه

محمد پسر حسن حر عاملی متوفای سال ۱۱۰۴ هـ در کتاب «تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة» در فصل (وجوب احترام مکه والمدينة والكوفة واستحباب سكنائها، والصدقة بها وكثرة الصلاة فيها، والإتمام سفرًا بها)<sup>۱</sup> روایاتی را ذکر می نماید که به گمان او، همچنانکه (مکه حرم خداوند است، و مدینه حرم پیامبر ﷺ است، کوفه نیز حرم امیرالمؤمنین علی ﷺ است، و هرستمگری سوء قصد آن را بکند خداوند او را نابود و شکست می دهد)!!

و روایات زیر را نیز آورده است:

از محمد بن علی بن حسین در کتاب (معانی الاخبار) از پدرش، از حسین بن یحی، از احمد بن محمد بن خالد، از ابی عبدالله رازی، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از موسی بن ابی بکر، از ابی الحسن موسی بن جعفر، از پدران و اجدادش روایت نموده که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ:

﴿وَاللَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾<sup>(۱)</sup> وَطُورِ سَيْنِينَ<sup>(۲)</sup> وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ<sup>(۳)</sup>» [التین: ۱ تا ۳]

سوگند به انجیر و زیتون! و سوگند به طور سینین! و سوگند به این شهر امین (مکه)! خداوند در میان شهرها چهارشهر را برگزید: (تین: یعنی مدینه، زیتون: یعنی بیت المقدس، وطورسینین: یعنی کوفه، ووهذا البلد الامین: یعنی مکه)<sup>۲</sup> واز ابی جعفر ﷺ روایت است که امیرالمؤمنین ﷺ فرمود:

﴿وَأَوْسَتْهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾<sup>(۵۰)</sup> [المؤمنون: ۵۰]

و آن دو را به تپه ای پناهنده کردیم که آرامش و امنیت و آب جاری داشت. ربوة: یعنی کوفه، والقرار: یعنی مسجد والمعین: یعنی فرات)<sup>۳</sup>.

۱- تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة، تألیف: محمد بن حسن حر عاملی (۳۶۰/۱۴) چاپ

اول ۱۴۱۳ هـ-۱۹۹۳ م، با تحقیق مؤسسه آل بیت ﷺ لاحیاء التراث- بیروت، لبنان.

۲- تفصیل وسائل الشیعه (۳۶۱/۱۴).

۳- تفصیل وسائل الشیعه (۳۶۲/۱۴).

## برتری مسجد کوفه بر سه مسجد ذکر شده، نزد شیعه‌ها

علاوه بر اینکه مسجد کوفه نزد شیعیان بر مسجد الاقصی برتری دارد، روایاتی هم دارند دال بر اینکه مسجد کوفه بر همه مساجد به جز بیت‌الله تقدم دارد، و مسجد کوفه سرزمینی است که خداوند آن را مبارک نموده!! و قبل از خلقت آدم، عبادتگاه فرشتگان بوده، و بعداً هم عبادتگاه آدم و همه پیامبران و اولیا و صدیقین بوده است!! و وسط آن باغچه‌ای از باغچه‌های بهشت است، و در روز قیامت مردم در آن حشر می‌شوند!! شگفت‌آورتر اینکه مسجد کوفه از جمله مسجدهایی است که برای زیارت آن باید بار سفر بست و مهاجرت نمود!!<sup>۱</sup>.

روایات زیر که در کتاب‌هایشان آمده، این دیدگاه را تأیید می‌کند.  
 شیخ صدوق در کتاب الخصال روایت نموده که «بار سفر تنها برای سه مسجد بسته می‌شود: مسجد الحرام، مسجد رسول‌الله ﷺ و مسجد کوفه»<sup>۲</sup>.  
 باز شیخ صدوق در کتاب خویش به نام من لایحضره الفقیه والخصال، با استناد از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که ایشان گفتند:  
 «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجد رسول‌الله ﷺ، ومسجد الکوفة»<sup>۳</sup>.

۱- قادیانیها نیز - طائفه‌ای گمراه باطنی هستند - به مقابله و قیام علیه ما شتافته و قادیان هند را مقدس می‌دانند، آنها معتقد اند که مسجد الاقصی در بیت المقدس نیست بلکه مسجد میرزا است در قادیان!! در صحیفه فضل قادیانیها شماره ۳ سال ۱۹۳۵ م آمده که خداوند این سه مقام را مقدس نموده: مکه، مدینه، و قادیان. و این سه محل را برای تجلی و ظهور خود برگزیده است. و در شماره ۲۳ نیز چنین آمده: (مراد از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که خداوند دور و بر آن را مبارک گردانیده فمسجد قادیان است)!!

۲- کامل الزیارات، ص ۱۳۷.

۳- الوسائل (۵۲۵/۳)

سفر و مهاجرت تنها برای زیارت سه مسجد درست است، مسجدالحرام، مسجد پیامبر ﷺ، و مسجد کوفه.

مسجد کوفه<sup>۱</sup> نزد شیعه‌ها دارای جایگاه و ارزش ویژه‌ای است به گونه‌ای که مسجدالاقصی، از آن جایگاه و ارزش برخوردار نیست این به نص احادیث و روایاتی که در کتاب‌های معتمد و مورد ثقه آنها نوشته شده و از جمله این روایت‌های باطل موارد زیر می‌باشند.

کلینی در کتاب خویش به نام الکافی به استناد از خالد قلانسی روایت می‌کند که گفت: از ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که گفت: «صلاة في مسجد الكوفة بألف صلاة»<sup>۲</sup>. ادای یک نماز در مسجد کوفه برابر است با هزار نماز در جاهای دیگر!! و از حسان بن مهران روایت شده که گفت: از ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«مكة حرم الله، والمدينة حرم رسول الله، و الكوفة حرمی لا یريدها جبار بحادثة إلا قصمه الله»<sup>۳</sup>.

۱- مسجد کوفه را صحابی جلیل القدر سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه پس از جنگ قادسیه در عهد خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه بنا نهاد؛ اما شگفت موقف شیعه‌ها است در برابر این صحابی که در کتاب‌ها و روایاتشان او را قارون امت می‌نامند؛ در مقدمه البرهان، نوشته ابو الحسن عاملی ص ۲۸۰ آمده که: ابوالحسن عامری گفت: سعد بن ابی وقاص قارون این امت است؛ و این چیزی است که از سر باز زدن و تکبر او در عدم بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام نمایان می‌گردد!!

اما در اینجا چند سرائی برای ما مطرح است: اگر بانی آن مسجد مرتد بوده پس چرا خلیفه راشد حضرت علی علیه السلام اقدام به هدم و ویرانی آن ننمود هنگامی که به کوفه منتقل شد در حالی که آن وقت خودش خلیفه و حاکم مسلمانان بود؟! و چرا به پیشوایانشان توصیه می‌کند که در آن نماز بخوانند در حالی که به گمان آنها سعدبن وقاص، قارون این امت!! مرتد بوده؟! و چرا این همه فضایل و برتری برای مسجدی است که به دستور امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه تأسیس گردیده، مگر جعفر صادق نمی‌گوید: هر عبادتی که بر اساس تقوی صورت نگیرد گرد و غبار پراکنده است؟!.

۲- الوسائل (۵۴۷/۳).

۳- تفصیل وسائل الشیعه (۳۶۰/۱۴).



مکه حرم خدا و مدینه حرم پیامبر ﷺ و کوفه حرم من است و هرستمگری سوء قصد آن را بکند خداوند او را شکست و نابود می سازد.

و در روایت دیگری چنین آمده:

«إِنَّ الْكَوْفَةَ حَرَمُ اللَّهِ وَحَرَمُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَحَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَّ الصَّلَاةَ فِيهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ وَالدَّرْهَمُ بِأَلْفِ دَرْهَمٍ»<sup>۱</sup>.

کوفه حرم خدا و حرم پیامبر ﷺ و حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و یک نماز در آن برابر است با هزار نماز و یک درهم آنجا برابر است با هزار درهم.

و در جاهای دیگر نیز چنین آمده است:

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا هُوَ مَكَّةُ وَلِرَسُولِهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكَوْفَةُ، وَلَنَا حَرَمًا وَهُوَ قَمٌ<sup>۲</sup> سَتَدْفَنُ فِيهِ امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي تَسْمَى فَاطِمَةَ مِنْ زَارِهَا وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»<sup>۳</sup>.

خداوند حرمی دارد که مکه است، و پیامبر ﷺ حرمی دارد که مدینه است و امیرالمؤمنین حرمی دارد که کوفه است و ما هم حرمی داریم که قم می باشد و زنی از فرزندان من در آنجا دفن خواهد شد که نامش فاطمه است، هرکس او را زیارت کند بهشت برای او واجب می گردد.

۱- کامل الزیارات ص ۷۳-۷۴.

۲- قم، با ضمه قاف شهری است مشهور و مقدس نزد شیعه ها و در ایران قرار دارد، ساکنان آنجا همه شیعه امامیه هستند (نگاه: معجم البلدان: ۳۹۷/۴) و سبب مقدس دانستن قم از نظر شیعه وجود قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علی علیه السلام (امام هفتم) آنها در آنجا است، نگاه: عبد الرزاق الحسینی / مشاهد العترة: از ص ۱۶۲ وبه بعد.

۳- بحار الأنوار (۲۶۷/۱۰۲).

## کربلا از کعبه و مسجد الاقصی برتر است!!

شیعه‌ها اماکنی را مقدس می‌دارند که نه در کتاب خدا و نه در سنت پیامبر (ص) هیچ‌گونه قداستی برای آنها ثابت نشده از جمله این اماکن، کربلا است به خصوص قبر حسین (علیه السلام)، از ابی عبدالله روایت شده که گفت:

«إذا أردت الحج ولم يتهياً لك، فأت قبر الحسين فإنها تكتب لك حجة، وإذا أردت العمرة ولم يتهياً لك، فأت قبر الحسين فإنها تكتب لك عمرة»<sup>۱</sup>.

هرگاه اراده حج نمودی اما برایت میسر نشد و امکان نداشت، به زیارت قبر حسین برو چرا که با زیارت آن حجتی برایت نوشته می‌شود و هرگاه قصد عمره نمودی و برایت میسر نشد، باز به زیارت قبر حسین برو زیرا که زیارت قبر او ثواب عمره‌ای را دارد.

و در بحار الأنوار می‌خوانیم:

«تأخذ الله أرض كربلا حرماً آمناً مباركاً قبل أن يخلق الله أرض الكعبة ويتخذها حرماً بأربعة وعشرين ألف عام، وقدها وبارك عليها، فما زالت قبل خلق الله الخلق مقدسة مباركة ولا تزال كذلك حتى يجعلها الله أفضل أرض في الجنة، وأفضل منزل ومسكن يسكن فيه أوليائه في الجنة»<sup>۲</sup>.

خداوند بیست و چهار هزار سال پیش از آنکه سرزمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، سرزمین کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد، و آن را مقدس گردانید و در آن برکت قرار داد، و قبل از خلق خلایق و آفریده‌ها نیز آنجا مقدس و مبارک بوده و همواره مقدس و مبارک باقی خواهد ماند تا اینکه خداوند آنجا را برترین زمین در بهشت قرار می‌دهد و بهترین منزل و مسکنی است که اولیای خود را در بهشت در آن سکونت می‌دهد.

۱- وسائل الشیعه (۳۳۲/۱۰).

۲- بحار الأنوار (۱۰۷/۱۰۱).

بلکه غلو و افراط، آنها را به این عقیده رسانده که زیارت قبر حسین علیه السلام را بر زیارت و حج بیت الله ترجیح می دهند از ابی عبدالله روایت شده که گفت:

«من زار قبر الحسين يوم عرفة كتب الله له ألف ألف حجة مع القائم عليه السلام وألف ألف عمرة مع رسول الله صلى الله عليه وآله وعشق ألف نسمة وحملا ألف فرس في سبيل الله وسماه الله عز وجل عبدي الصديق، آمن بموعدي، وقالت الملائكة: فلان صديق زكاه الله من فوق عرشه، وسمى في الأرض كروياً»<sup>۱</sup>.

هر کس در روز عرفه قبر حسین را زیارت کند خداوند ثواب هزار هزار حج با امام مهدی و هزار هزار عمره با پیامبر صلی الله علیه و آله را برایش می نویسد، و نیز ثواب آزاد نمودن هزار نفر و بخشش و انفاق به اندازه بار هزار اسب در راه خدا را برایش می نویسد، و خداوند او را بنده صدیق و راستگوی خود می نامد و فرشتگان نیز می گویند: فلان کس راستگو است و خداوند، در بالای عرش او را پاک و تزکیه نموده، و در زمین نیز او را گرامی و ارجمند می نامد.

فضیلت زیارت قبر حسین علیه السلام نزد آنها نه اینکه از حج بیشتر است، بلکه افضل و بهترین اعمال است، در روایات آنها آمده که زیارت قبر حسین: «أفضل ما يكون من الأعمال» برترین اعمال است، و در روایت دیگری: «من أحب الأعمال زیارت قبر الحسين»<sup>۲</sup> زیارت قبر حسین دوست داشتنی ترین اعمال نزد خداوند است.

مجلسی فصل خاصی را به این موضوع تخصیص داده و مجموعه ای از این روایات را در آن ذکر نموده است.<sup>۳</sup>

و شیخ و پیشوایشان فیض کاشانی درحاشیه روایاتی که در باره فضایل زیارت قبر حسین ذکر نموده، می گوید: (این برای کسی که خداوند او را امام و پیشوای مؤمنان قرار داده، و آسمانها و زمین را بخاطر او خلق نموده است، و او را راه، و چشم، و دلیل، و دری که از آن وارد می شود، و ریسمانی که خدا و بندگان از پیامبران و اولیا و صلحا را

۱- وسائل الشیعه (۳۶۰/۱۰).

۲- کامل زیارات ص ۱۴۶، بحار الأنوار (۴۹/۱۰۱).

۳- این فصل تحت عنوان: (باب أن زیارته عليه السلام من أفضل الأعمال)، بحار الأنوار (۴۹/۱۰۱).

با هم پیوند داده است- زیاد نیست، تازه علاوه بر اینکه قبر آنها نیز در آنجا قرار دارد مزیت‌های دیگری نیز دارد زیرا در واقع سفر برای زیارت قبر حسین، انفاق اموال، و برآورده نمودن آرزوها، و دوری از وطن، و تحمل مشقت و ناراحتیها، و تجدید عهد و پیمان و حضور در انجام شعایر و ادای مناسک نیز می‌باشد<sup>۱</sup>.

اینها جزء کمی از فضایل مسجد کوفه و سرزمین کربلا، از نظر شیعه می‌باشد و قسمت اعظم آن‌را به دلیل پرهیز از اطاله کلام، ترک نموده‌ام، و اگر کسی خواهان اطلاعات بیشتری در این زمینه می‌باشد، به کتاب‌های فقهی امامیه و زیارت نامه‌ها و اخبار آنان مراجعه نماید.

بدون شک، دشمنی و کینه توزی شیعه با بنی امیه، آنها را وادار به ذم و نکوهش و کم ارزش جلوه دادن آنچه که بنی امیه بدان اقدام نمودند مانند تجدید بنای مسجدالاقصی و تعمیر و بازسازی بیت‌المقدس به روشهای جدید، نموده است و این -دشمنی بابنی‌امیه- از بارزترین و مهمترین عواملی بوده که جایگاه مسجدالاقصی را از دیدگاه شیعه کم ارزش نموده است و به اماکن و جاهای دیگر ارزش قایل شوند به گونه‌ای که آن جاها را بیشتر از مسجدالاقصی ارج بنهند و برتریش دهند، تا جایی که غلو و افراط گری آنها به درجه‌ای رسیده که اماکن مقدسه خود را بر سه مسجدی که بار سفر برای زیارت آنها بسته می‌شود (مسجدالحرام و مسجدالنبی و مسجدالاقصی) ترجیح می‌دهند. و بدین ترتیب به پاشیدن سمّ در دل اهل سنت و جماعت و توهین به مقدسات آنها و پافشاری و اصرار بر ایجاد شک و گمان در خصوص هرآنچه که در کتاب و سنت راجع به فضایل مسجدالاقصی آمده است، اقدام نموده‌اند!!

چگونه بیت‌المقدس از نظر آنها جایگاه و ارزش داشته باشد در حالی که عمر فاروق رضی الله عنه آن‌را فتح کرده و صلاح‌الدین ایوبی رحمته الله علیه آن را آزاد نمود و بدین ترتیب گهواره پرورش علم و علما و تمدن گردید؟!!!

با وجود تمام اینها می‌گوییم: موقف علمای شیعه در برابر جایگاه مسجدالاقصی و همچنین مکان آن که در زمین قرار دارد یا در آسمان، جداً با اشکال در روایات و اضطراب در آنها مواجه است. زیرا بعضی از آنها می‌گویند که مسجدالاقصی در فلسطین واقع شده و فضایل آن را نیز بر شمرده‌اند؛ مانند: طوسی در کتاب «الخلافا»، و حلی در کتاب «تحریر الأحکام» و همچنین در کتاب (تذکره الفقهاء، و... اما در هر صورت جمهور علمای شیعه اتفاق نظر دارند بر اینکه مسجد کوفه از مسجدالاقصی برتر و با فضیلت‌تر است<sup>۱</sup>.

---

۱- با وجود این شایعه می‌کنند که قدس قضیه مهم و اساسی آنها است و آنها با مستضعفین و ستم دیدگان هستند، و به گمان خود آنها هستند که جنگ در راه آزاد سازی مسجدالاقصی راهبری می‌کنند!! و برای یاری و کمک به فلسطین روزی را به نام (روز قدس) تخصیص داده و برای آزاد سازی اقصی نیز لشکری را به نام (لشکر قدس) و (سپاه قدس) نام گذاری نموده اند، و شبکه ای را به نام (شبکه قدس) و راهی را به نام (راهی به سوی قدس) - راهی است بین عراق و افغانستان - نام نهاده اند!! و ما نیز پیوسته منتظریم که ببینیم کی خون اسبی را نثار راه فلسطین می‌کنند!!.

## گفتار شیعیان معاصر در خصوص جایگاه مسجدالاقصی

اقوال و تصریحات شیعیان در خصوص بی ارزش جلوه دادن جایگاه مسجدالاقصی و ارج نهادن و اهمیت بخشیدن به مقدسات خود بگونه‌ای که به هیچ یک از مسجدهایی که دارای اهمیت واقعی هستند و زیارت آنها مورد سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، اهمیت نداده‌اند. که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

### کربلا را قبل از قدس آزاد سازید!!

در سر فصل و تیتراژی از شماره‌های مجله شیعی<sup>۱</sup> به نام (المنبر) که با خط درشت نوشته شده بود: (قبل از قدس، کربلا را آزاد سازید) چنین آمده:

در واقع کربلا با نص سخنان معصومین مقدس‌ترین و شریف‌ترین جای روی زمین است - حتی از مکه و مدینه - زیرا ارزش و قداست خود را با در آغوش گرفتن و در خود جای دادن تن مبارک خونبهای خدا و پاره تن رسول الله صلی الله علیه و آله امام ابی عبدالله الحسین علیه السلام، کسی که خون پاکش با ذرات خاک این سرزمین آمیخته شد، بدست آورده و به سبب آن، از شرف و جایگاهی برخوردار شده که جایگاهی بالاتر از آن وجود ندارد، زیرا آن‌جا کعبه آزادگان و جای تمایل دلها و محبت دوستان و مقصد نیازمندان و فقیران است.

این نویسنده می‌افزاید: (با وجود تمام شرف و ارزشی که قدس از آن برخوردار است باز جایگاه آن پایین‌تر از جایگاه کربلا است، پس قدس همچون کربلا نیست و

---

۱- مجله المنبر به صورت ماهانه از طرف هیئت خادمان مهدی به مدیریت (یاسر حبیب) و سردبیری یوسف عبد الهادی صادر می‌شد، و چاپ و انتشار این مجله از ماه دسامبر سال ۱۹۹۹م شروع و تا سال ۲۰۰۴م ادامه داشت تا اینکه در همان سال حکومت کویت دستور تعطیل نمودن فعالیت آن هیئت را صادر نمود و دست اندرکاران آن تحویل نائب حکومت گردیدند، و یاسر حبیب به جرم دشنام و بدگوئی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در کویت زندانی شد. آدرس انترنی آنها:

حجرالاسود نیز مانند حسین نیست، و مسجد هم مانند حرم نیست... و در واقع مسئله قدس قضیه‌ای اساسی نیست بلکه قضیه‌ی مهم و اساسی، قضیه کربلا است... و ما باید پیش از آزادسازی قدس به فکر آزادی و رهایی کربلا باشیم<sup>۱</sup> و از آنجا به فلسطین برویم و این نور و هدایت را از فلسطین نیز به سایر کشورها منتقل نمائیم... و قبلاً هم برایمان روشن شد که امکان ندارد قدس به دست این امت بازگردد مگر وقتی که امت به سوی محمد ﷺ و علی ﷺ بازگردند!!<sup>۲</sup>

و در ادامه می‌افزاید: «به سوی محمد ﷺ و علی ﷺ بازگردید. قدس با مهدی به سوی شما باز می‌گردد... و پیش از هر چیز کربلا را آزاد سازید سپس به فکر قدس و جاهای دیگر باشید»<sup>۳</sup>.

### فضل و برتری نجف بر قدس، در شعر ابن معصوم!!

ابن معصوم شیعه مذهب اشعار خود را به یاری و نصرت مذهبش تخصیص داده و آشکارا در کتابش به نام (سلافة العصر)<sup>۴</sup>، وهنگامی که به زیارت نجف می‌رود، شعری را سروده که در آن، نجف را بر مسجد الاقصی ترجیح و برتری داده و می‌گوید:

یا صاحب هذا المشهد الأقدس	قوت به الأعین والأنفس
والنجف الأشرف بانت لنا	أعلامه والمعهد الأنفس
والقبة البيضاء قد أشرق	ينجاب عن لآلها الحندس
حضرة قدس لم ينل فضلها	لا المسجد الأقصى ولا المقدس

ای صاحب این بارگاه بسیار پاک و مبارک که چشم و دل با آن روشن و بینا می‌گردند.

۱- در آن وقت کربلا و قدس تحت سلطه و حاکمیت بعث نظامی بودند، و این مقاله قبل از سقوط بغداد توسط اشغالگران آمریکائی نوشته شده است.

۲- مجله المنبر، شماره ۲۳، محرم ۱۴۲۳هـ - مارس ۲۰۰۲م.

۳- منبع: سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، تألیف ابن معصوم حسینی؛ متوفای سال ۱۱۱۹هـ.

و ای نجف بزرگوار و شریف آشکار شد برای ما چهره تابناک و مناره‌هایش و جایگاه جانها.

و قبه سفید برافروخت و از درخشش‌هایش شب تار روشن شد  
قدس بزرگوار و مسجدالاقصای بیت‌المقدس به پای فضیلت تو نمی رسند

### آزاد نمودن قبه سامراء از آزاد سازی قدس مهم‌تر است

(یاسر حبیب) شیعه مذهب کویته در گزارشی که در لندن پس از حادثه منفجر نمودن قبه سامرا در عراق، ارائه داد. در شرح و تحلیل آن می‌گوید:

حرم عسکری شریف و مقدس غصب شده هنوز هم در دست چپاول گران است و تخریب می‌گردد و ویرانه‌ها بر روی جسد امامان معصوم علیهم‌السلام هنوز باقی است اما کسی نیست که این آثار مخروبه و ویرانه را دور اندازد، این حرم که تا این لحظه هم در دست ناصبیه‌ها - اهل سنت - است باید از دست آنها آزاد و بازگردانده شود، اهمیت بازگرداندن این حرم از اهمیت آزاد سازی قدس بیشتر است، آری آزاد سازی آن نزد خدا بزرگ‌تر است!! جسد امام معصوم از قطعه سنگی به نام صخره بسیار ارجمندتر است حتی اگر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم، روی آن عروج نموده باشد!

### سامراء و بقیع غرق‌د نزد شیعه‌ها از قدس اهمیت و جایگاه بیشتری دارند

برخی از دعوت‌گران شیعه اهتمام و توجه سیاست مداران خود، به قدس را تقبیح و مورد نقد قرار داده و آن را از مقاصد و اهداف سیاسی به حساب می‌آورند زیرا جایگاه قدس نزد علمایان آنها جای اختلاف بزرگی است و این واقعیت از شرح و نصوص آنها به وضوح نمایان است... توجه و اهتمام آنها به قدس جنبه سیاسی دارد نه جنبه اعتقادی!!

یاسر حبیب می‌نویسد (مسلمانان باید بیشتر به سرزمین مقدس (سامراء و بقیع غرق‌د) توجه داشته باشند) زیرا شرف و ارزش آن بسیار زیاده‌تر از جایگاه بیت‌المقدس است،

۱- نص و تصویر این گزارش در سایت الحقیقه سایت الحقیقه [www.haqeaa.com](http://www.haqeaa.com) و همچنین

روی سایت (الدفاع عن السنة / [www.d-sunnah.net](http://www.d-sunnah.net)) موجود است.



بلکه اصولاً با هم مقایسه نمی‌شوند، این همه حرکات و احزاب شیعه روی چه اساسی به بیت‌المقدس اهمیت می‌دهند گویی که مسئله نخست و مهم ما است؟! نه هرگز چنین نیست! ما اگرچه به قضیه قدس شریف اهمیت می‌دهیم اما باید بر اساس میزان شرعی اولویت را به قضیه سامرا مقدس و قبرستان غرقده بدهیم و در درجه دوم به قدس و جاهای دیگر توجه داشته باشیم. باید سامرا و قبرستان غرقده را از دست ناصبیها آزاد سازیم سپس قدس را از دست یهود رستگار کنیم، بسیار جای تعجب است چرا شیعیان مؤمن از این مسئله غافل‌اند؟!<sup>۱</sup>.

### کانونهای (یا حسین) کانونهای ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه اقصی

در یکی از کانونهای (یا حسین) روی اینترنت سؤالاتی را در خصوص مکان مسجدالاقصی به عنوان موضوعی اختلافی که مورد بحث و مناقشه است، طرح نموده که عنوان آن چنین است: مسجدالاقصی در کجا واقع شده است؟! و شرح سؤال را چنین بیان نموده: آیا بیت المقدسی که هم اکنون در فلسطین است همان مسجدالاقصی است که خداوند در مورد آن می‌فرماید:

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْأَيْنِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الإسراء: ۱]

تسبیح و تقدیس خدائی را سزااست که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

در جواب و مناقشه‌های این سؤال چنین آمده:

یکی از آنها می‌گوید:<sup>۱</sup> (باید ملاحظه نمود، مسجدالاقصای که در فلسطین واقع است، در روایات اهل بیت اساس و حقیقتی ندارد بلکه مسجدالاقصای واقعی آن است که در آسمان قرار دارد، این شخص ادعا می‌کند که این صخره تنها نزد یهودیها مقدس است، و بسیاری از فضایی که در اصل برای مسجد امیرالمؤمنین (علیه السلام) (مسجد کوفه) است. یهودیان آن را تبدیل و تحریف نموده و برای اقصای خود که قبله آنها است، قرار داده‌اند)!!

یکی دیگر از آنها نوشته که ارزش و جایگاه مسجدالاقصی: «از بدعتهای یهود می‌باشد که اهل سنت از آن محافظت و بدان عمل می‌نمایند»!!

یکی دیگر توضیح می‌دهد که: «اهمیت دادن به مسجدالاقصی و حکم شرعی در مورد فلسطین و مقدسات آن بدان خاطر نیست که مسجدالاقصی همان بیت المعمور یا بیت المقدس باشد بلکه از این لحاظ است که مرجع تقلید ما، بدان فتوا داده است و مسلم است که تقلید از آن بر ما واجب است و اگر چنانچه مرجع تقلید فتوا دهد و بر ما واجب گرداند که مسئله فلسطین را نگهداری کنیم و اهل آنجا را یاری دهیم و با هر وسیله ممکن از آنها دفاع کنیم، این کار بر ما واجب خواهد شد و چنان خواهیم کرد اگرچه مسجدالاقصی، بیت المقدس هم نباشد و حتی اگر در فلسطین هیچ گونه نشان و علامتی از مکانهای مقدس اسلامی وجود نداشته باشد»!!

شرکت کننده‌ای دیگر (در این مناقشه) می‌نویسد: «اگر بیت المقدسی که در فلسطین قرار دارد تا این درجه اهمیت دارد، چرا اهل بیت (علیهم السلام) هیچگونه مدح و ستایشی از آن نکرده‌اند بلکه برعکس آنها مسجد کوفه را خیلی از آن مهم‌تر دانسته‌اند».

---

۱- من این شرح و تعلیقها را بدان خاطر ذکر نمی‌کنم که بر اساس آنها حکمی را صادر نمایم بلکه بدین منظور آنها را ذکر نموده‌ام که مردم بدانند آنها در مورد مسجدالاقصی و جایگاه آن چگونه فکر می‌کنند و در تریبونهای آزاد چه چیزهای را در مورد آن مینویسند.

یکی دیگر از آنها می‌نویسد:<sup>۱</sup> (به گواهی شیعه‌های سازش‌کار بیگانه پرست و گروه‌های گمراه دیگر<sup>۲</sup> غاصب دوم<sup>۳</sup> مسجد قدس را بنا نهاده است، و در آن‌جا چوب‌های بزرگ و محکمی<sup>۴</sup> وجود دارد که خراب‌الدین ایوبی<sup>۵</sup> روی آن حرف‌های مفت و گزاف را می‌گفته، اما با کمال تأسف کسانی هستند از شیعه‌ها که برای آن ناراحت می‌شوند و برای آزادی آن فعالیت می‌کنند و از اینکه یهودیها کنار مسجدالاقصی را حفر می‌کنند گریه می‌نمایند.

یکی دیگر در وبلاگ خود نوشته است: (خدا بهتر می‌داند. اما ظاهراً مسجدالاقصی آن مسجدی نیست که در فلسطین قرار دارد، زیرا اگر آن مسجد چنان اهمیتی می‌داشت، به طور قطع اهل بیت به ما خبر می‌دادند و ما را به زیارت آن دستور می‌دادند چنانکه نسبت به سایر اماکن مقدسه به ما دستور داده‌اند که به زیارت آنها برویم، و خردمند کسی است که در این مسائل دقت کند تا در شبهات واقع نشود)!!  
آری آنها راجع به جایگاه مسجدالاقصی این چنین اعتقادی را دارند که در نوشته‌ها و تحلیل و مناقشه‌هایشان آشکار می‌گردد!!

۱- آدرس کانون های یاحسین روی شبکه جهانی انترنت. [www.yahosein.com](http://www.yahosein.com)

۲- منظورش عمر بن خطاب رضی الله عنه است که به گمان آنها خلافت را از علی بن ابی طالب رضی الله عنه غصب نموده است.

۳- منظورش خلیفه دوم عمر بن خطاب رضی الله عنه است.

۴- منظورش منبر صلاح الدین ایوبی رحمته الله است.

۵- صلاح الدین ایوبی که تمام امت به بزرگواری آن گواهی می‌دهند، این رافضی کثیف آن را به خراب الدین متهم می‌نماید در انتقام اینکه ایشان در ریشه کن کردن و برطرف نمودن دولت فاطمیه باطنی نقش مهم و قابل توجهی داشتند.



## مسجدالاقصى در نوشته‌های یهود

یهودیه‌ها برای نقض و بی‌ارزش جلوه دادن مسجدالاقصى از روشهای متعددی استفاده می‌کنند و با اسلوب‌های گوناگونی شک و تردید را در خصوص جایگاه و اهمیت آن در دل مسلمانان ایجاد می‌کنند و همواره محققین کینه‌توز یهودی، در مباحث و نوشته‌ها و تحقیقات خود بر این نکته تأکید می‌کنند که قداست شهر قدس با شک و تردید آمیخته است و با روشهای گوناگونی می‌خواهند با حقایق اسلام و مقدسات آن توهین نمایند و از ارزش و جایگاه آن در دل مسلمانان بکاهند.

بارزترین و آشکارترین این تلاشها، تأویل آیه‌های قرآن است که در مورد فضل و ارزش مسجدالاقصى نازل شده‌اند، و همچنین ایجاد شک و تردید در احادیث پیامبر ﷺ که همه علمای اهل سنت بر صحت آنها اجماع و اتفاق دارند.

آنها به گمان خود فکر می‌کنند که مسجدالاقصى در آسمان است!! و مسجد قدس آن نیست که نزد مسلمانان معروف و مشهور است!! و کلمه اقصی بیانگر این است که آن مسجد، مسجدی آسمانی است، و مسجدالاقصى یعنی مسجدبالا!!.

آری آنها گم شده خود را در روایات و اقوال و اخباری یافته‌اند که در کتاب‌های شیعه ذکر شده و مقرر می‌نمایند که، مسجدالاقصى در آسمان است و آن مسجدی که در قدس است تنها نامش مشابه نام آن است!!.

اینک بعضی از نوشته‌های آنها که تصریح دارند بر اینکه مسجدالاقصى در آسمان است:

### ماده قدس از دیدگاه بوهل

در (دائرة المعارف اسلامی) (encyclopaedia of islam) نوشته یک مرد یهودی به نام (بوهل) Buhl f' در ترجمه و معنای کلمه al-kuds چنین آمده است:

---

۱- بوهل: مستشرق یهودی ماده قدس را در دائرة المعارف اسلامی نوشته است!!.

چه بسا پیامبر خدا ﷺ نیز مسجد الاقصی را در آسمان دانسته باشد!! پس از آن ترجیح می‌دهد که: «شاید پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ هم از همان ابتدا می‌دانست که مسجد الاقصایی که در آیه کریمه ذکر شده است، مکانی است در آسمان، نه آن مسجدی که بعدها در شهر بیت المقدس ساخته شد.<sup>۱</sup>»

### اسحق حسون

اسحق حسون محقق یهودی و عضو انجمن تحقیقات آسیا و آفریقا در دانشگاه عبریه، در مقدمه تحقیقاتش بر کتاب فضائل بیت المقدس، نوشته: ابی بکر محمد بن احمد واسطی، می‌گوید: معروف و مشهور است که گروه‌هایی از شیعه هیچ جایگاه و ارزشی برای بیت المقدس قائل نیستند و آن را بر سایر مساجد برتر نمی‌دانند.<sup>۲</sup>

و برای اثبات ادعای خود به مجموعه احادیثی استدلال می‌کند که در کتاب «بحار الأنوار مجلسی» و «ینایع الموده»، نوشته قندوزی آمده‌اند و در نوشته‌ای که ضمیمه کتاب آقای حسون است چنین آمده است: علمایان اسلامی اتفاق نظر ندارند بر اینکه مسجد الاقصی همان مسجد قدس است، زیرا بعضی از آنها می‌گویند که آن، مسجدی است در آسمان که دقیق روی قدس یا مکه قرار دارد.<sup>۳</sup>

و بدین ترتیب می‌خواهد میان قدس آسمانی و قدس زمینی فرق و تفاوت بیاندازند!!

۱- کتاب: فضائل بیت المقدس فی مخطوطات عربیة قديمة، تألیف: دکتور محمود ابراهیم، ص ۴۷، دانشگاه اردن، نشر پژوهشگاه آثار و نوشته‌های عربی (سازمان تربیت و علوم و فرهنگ وابسته به عرب) چاپ اول سال ۱۹۸۵ م.

۲- فضائل بیت المقدس، نوشته ابوبکر واسطی ص ۳۵ با تحقیق اسحق حسون، انجمن پژوهشهای آسیا و آفریقا - دانشگاه عبریه، قدس.

۳- فضائل بیت المقدس فی مخطوطات عربیة قديمة، تألیف دکتور محمود ابراهیم، ص ۴۱.

### حوا لاتسروس یافه

(حوا لاتسروس یافه)<sup>۱</sup> مطلبی نوشته که در آن تأکید نموده که بانددک تأملی درآیه اول سوره اسراء، روشن می‌شود که مسجدی که در آن ذکر شده، مسجدی است بسیار دور و آسمانی!! و هرگز منظور، از آن مسجدی نیست که در زمان امویها در قدس بنا نهاده شد!!.

لاتسروس نظریه خود را با مقاله‌ای تقویت و استحکام می‌بخشد که «جوزیف هوروفیتش» آن را در همین موضوع نوشته است و در آن تأکید نموده که مسجد مورد اشاره آیه اول سوره اسراء، مسجدی است که در قدس (آسمان بالا) واقع است، و می‌گوید: «ما باید اقوال مفسرین قدیم را درک کنیم زیرا آنها اجماع و اتفاق رأی دارند بر اینکه معنی مسجدالاقصی، بیت المقدس است، پس بنابر این رأی، منظور آنها از مسجدالاقصی، قدس بالا و آسمانی بوده اما کلمات و اصطلاحات به مرور زمان دچار اختلاط و دگرگونی و تغییر و تبدیل شده‌اند و از این کلمات چنین تفسیر و برداشت شده که منظور از مسجدالاقصی همان مسجدی است که هم اکنون در قدس موجود است»<sup>۲</sup>.

### یهود الیطانی

نویسنده مشهور «یهود الیطانی»<sup>۳</sup> مقاله‌ای را در (یدیعت اُحرونوت) تحت عنوان (معركة ذهنية حول مسجد الاقصی) (جنگ فکری در مورد مسجد الاقصی)، نوشته، و در آن شک نموده که مسجد الاقصای مورد اجماع مسلمانان، همان مسجدی باشد که در قدس واقع است، و این نویسنده می‌افزاید: حقیقت این است که در تفسیرهای اسلامی از مسجد الاقصی چنان بر می‌آید که آن مسجد، در مناطق دیگری، از جمله نزدیکیهای مدینه منوره واقع باشد!!<sup>۴</sup>.

۱- (حوا لاتسروس یافه) محقق مستشرق یهودی، متخصص در تحقیقات و پژوهشهای متعلق به تاریخ

قدس. که چند مبحثی را به مؤسسه (یستحاق بن تسفی) تقدیم نموده است،

۲- القدس دراسات فی تاریخ المدینة؛ نوشته: أمنون کوهین، ص ۳۹ چاپ وانتشار یادیستحاق بن تسفی.

۳- نویسنده و روزنامه نگار، در روزنامه یدیعت اُحرونوت عبری.

۴- یدیعت اُحرونوت ۲۰۰۵/۳/۳ م.

**کستر (Kester M.J.)**

و همچنین (کستر)<sup>۱</sup> چنین نوشته است: میان مسلمانان جدل و مناقشه شدیدی راجع به افضلیت مسجد الاقصی وجود دارد.<sup>۲</sup>

و برای ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه قدس در میان مسلمانان با تعدادی از احادیث که روایتشان به شیعه نسبت داده می‌شود، استمداد نموده است.<sup>۳</sup>

اینها قطره‌ای از دریای نوشته‌هایی است که به قلم یهودیها جهت ایجاد شک و تردید نسبت به برتری و افضلیت بیت المقدس و مسجد الاقصی و اهتمام مسلمانان به آنها، و نیز جایگاه آنها در شریعت اسلامی، به رشته تحریر در آمده، و به همین منظور آنها تأکید دارند که مسجد الاقصی در آسمان است!!<sup>۴</sup>.

---

۱- اکادیمی و محقق یهودی، که در اصل بلژیکی است، او عضو انجمن پژوهشهای آسیا و آفریقا، در دانشگاه عبری در قدس اشغالی می‌باشد، اوبحثهای متعددی در زمینه تاریخ قدس دارد که خالی از شک و گمان نسبت به جایگاه مسجد الاقصی نیست، همانند وهمدستانش درلشکر پروفیسورهای اجیر شده در دانشگاههای عبری.

۲- فضائل بیت المقدس در نوشته‌های عربی قدیمی ص ۴۰.

۳- فضائل بیت المقدس در نوشته‌های عربی قدیمی ص ۴۰.

۴- برای آگاهی بیشتر دراین زمینه به منابع زیر مراجعه نمایید. کتاب: فضائل بیت المقدس فی مخطوطات عربیه قدیمه، نوشته دکتر محمود ابراهیم، دانشگاه اردن، نشرکانون نوشته‌های عربی (سازمان تربیت و علوم و فرهنگ وابسته به عرب) چاپ اول سال ۱۹۸۵م. نیز کتاب: أدب فضائل المدن فی دراسات المستشرقین اليهود) با تحقیق عبداللطیف زکی ابوهاشم، مدیر حوزه اسناد نوشته‌ها و آثار- غزه، فلسطین. و نیز کتاب: المستشرقون اليهود ومحاولة التهوين من قدسیة القدس ومكانتها فی الاسلام، به قلم دکتر.حسن عبداحمید سلوادی، رئیس دانشکده آداب (دانشگاه قدس)) - و کتاب: والقدس دراسات فی تاریخ المدینة، نوشته: پروفیسور أمنون کوهین.



## مسجدالاقصى در نوشته‌های مستشرقین؟!!!

خاور شناسان مجموعه قضایائی را نقل و روایت نموده‌اند که به قدس و مسجدالاقصى و جایگاه آنها نزد مسلمانان ارتباط دارد و هدفشان از نقل و روایت این مسایل، استدلال نمودن بدانهاست مبنی بر اینکه شهر قدس جایگاه خاصی را در اسلام نداشته و از لحاظ استراتژی و اداری دارای اهمیت خاصی نبوده است!! که ما به ذکر مشهورترین اقوال و نظریات آنها در این زمینه می‌پردازیم:

### جولد تسیهر

«جولد تسیهر» متولد ۱۸۵۰م و متوفای ۱۹۲۰م خاورشناس مجارستانی- که در اصل یهودی است و به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین مرجع برای بسیاری از یهودیهایی که به تحقیق و نوشتن در مورد قدس و مسجدالاقصى پرداخته‌اند، محسوب می‌گردد و تألیفاتش نیز به عنوان اصلی‌ترین مرجع برای خاورشناسان غربی به حساب می‌آید، او نخستین کسی است که در احادیث و روایاتی که در خصوص فضیلت بیت‌المقدس و مبارک بودن آنجا، وارد شده است، شک و تردید ایجاد نموده، و او می‌گوید که «عبد الملك بن مروان» در ایام فتنه و آشوب ابن زبیر، مردم را از حج منع نموده، و او قبه الصخره را روی مسجدالاقصى بنا نموده تا مردم برای زیارت بدانجا بروند و به جای کعبه، آن را طواف کنند!!.

و همچنین به گمان او، عبدالملك می‌خواسته که مردم را برای حج و زیارت آن وادار نموده و این کار را از روی اعتقاد دینی انجام داده است و برای این کار زهری<sup>۱</sup> را بهترین

---

۱- امام زهری: ابوبکر محمد بن مسلم عبیدالله بن شهاب القرشی الزهری، در سال ۵۱هـ. به دنیا آمده است، ایشان یکی از بزرگان تابعی می‌باشد و به خدمت ده نفر از اصحاب رسیده، از جمله انس بن مالک و عبد الله بن عمر و جابر و سهل بن سعد، و در محضر سعید بن مسیب تلمذ نموده است،

گزینه دانسته تا احادیثی - مانند حدیث لاتشد الرجال الا الی ثلاثه مساجد- را برایش جعل کند زیرا زهری آوازه و شهرت مهمی را در میان امت اسلامی داشته است و به گمان او احادیثی که در رابطه با فضایل بیت المقدس هستند تنها از طریق زهری روایت شده‌اند!!<sup>۱</sup>.

### ریجیس بلاشیر

خاورشناس فرانسوی «ریجیس بلاشیر»<sup>۲</sup> در کتابش به نام: ترجمه الفاظ قرآن به زبان فرانسوی در مورد آیه:

امام احمد در مورد او می‌گوید: زهری از همه مردم بهتر به احادیث و سند احادیث آشنا بود. ابن حجر نیز در کتاب تهذیب التهذیب در مورد او می‌گوید: «فقیه ابو بکر حافظ مدنی یکی از امام و پیشوایان نام دار و عالم و دانشمند حجاز و شام بود».

ذهبی نیز در مورد او می‌گوید: «ایشان امام، حافظ و حجت می‌باشند و او عالم و دانشمند حجاز و شام بوده زیرا از همه بیشتر آشنا به احادیث و بیشترین روایات را نقل نموده است». عمرو بن دینار می‌گوید: «من از زهری بینا تر و آگاه‌تر به متن و عبارات حدیث را ندیده‌ام».

و روایات ائمه و حافظان و علمای جرح و تعدیل بر ثقه و امانتداری و بزرگواری او اتفاق دارند و جز «جولدتسیهر» مستشرق یهودی متعصب، کسی را ندیده‌ام که در ثقه و امانت و صداقت در احادیث، او را متهم نموده باشد.

و اتهام اینکه احادیث را برای امویها جعل نموده باشد، دروغ محض است؛ آیا معقول است که اصحاب و تابعین و فقهای اسلام و ائمه احادیث در طول سیزده قرن کامل با سخنان ابن شهاب زهری فریب خورده باشند!! و هیچ کس به جعل و تقلبکاری و دروغ پردازی او جهت خوشنودسازی امویها پی نبرده باشد جز جولدتسیهر!! و تنها او بازیگر و تیز بینی خود بدین نتیجه پی برده باشد؟!!!

۱- نگاه: السنة ومكانتها فی التشريع الإسلامی. نوشته شیخ دکتور مصطفى السباعی، ص ۱۸۹-۱۹۹ کتاب خانه اسلامی چاپ چهارم سال ۱۴۰۵هـ-۱۹۸۵م.

۲- «ریجیس بلاشیر» (۱۹۰۰-۱۹۷۳م) از مشهورترین خاورشناسان فرانسوی در قرن بیستم به حساب می‌آید، و نیز یکی از اعضاء مجمع علمی عربی در دمشق می‌باشد، کتاب ترجمه الفاظ قرآن کریم به زبان فرانسه را در سال ۱۹۵۷ چاپ و منتشر نمود و در سال ۱۹۶۶م مجدداً آنرا چاپ نمود، این

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ، لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ، لِنُرِيَهُ، مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الإسراء: ۱]

تسبیح و تقدیس خدائی را سزااست که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می ماند).

نوشته است: در واقع مسلمانان عصر پیامبر ﷺ یعنی اصحاب کرام ﷺ می دانستند که منظور از مسجدالاقصی، مسجدی است در آسمان و اسراء هم یعنی صعود و بالا رفتن در آسمان، اما در عصر امویها تلاشهایی صورت گرفت تا مکه مکرمه را پایتخت اسلام قرار دهند و در نتیجه مسجدالاقصی را مسجد آسمانی ندانند، اما آنجا به شهری در دولت یهودیها قرار گرفت.<sup>۱</sup>

ما خوب می دانیم که یهودیها و مستشرقین این سخنان را از کجا آورده اند! و مصادر و منابعی که مورد اعتمادشان است و آنها بدان استدلال می کنند مبنی بر اینکه مسجدالاقصی، مسجدی است در آسمان و جایگاهش مورد تردید است را از کجا آورده اند؟!

---

کتاب حاوی بسیاری از خزعبلات و دروغ و مغالطه و افتراء می باشد، و نویسنده تلاش نموده که خوانندگان آن را قانع سازد که قرآن، تألیف و نوشته محمد ﷺ است.

۱- ریچس بلاشیر، ترجمه معانی الفاظ قرآن به زبان فرانسوی، ص ۳۰۵.

## خلاصه

یهودیه‌ها برای تأیید اقوال و سخنان خود تمام سند و اقوالی که شیعه‌ها برای مخالفت با خلفای بنی‌امیه، و دادن ارزش و جایگاه به مقدسات خود و ترجیح و برتری دادن آن بر جایگاه مسجدالاقصی، از آن استفاده نموده‌اند، مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند. بدین سبب یهودیه‌ها این اتهام و دروغ و افترا را در راستای قطع رابطه فلسطین با مسجدالاقصی مورد بهره‌گیری قرار داده، تا بگویند که قدس هیچ گونه جایگاه و ارزش اسلامی ندارد و اصلاً رابطه‌ای بین اسلام و قدس وجود ندارد و مسجدالاقصایی در قدس قرار ندارد بلکه آن مسجد در آسمان است.<sup>۱</sup>

---

۱- هنگامی که از شیخ دکتور حسام الدین عفانه استاد فقه و اصول در دانشکده دعوت و اصول دین در دانشگاه قدس - در فلسطین- در مورد جایگاه مسجدالاقصی نزد شیعه‌ها سؤال شد؟ در جواب گفت: خلاصه مطلب این است که شیعه‌ها آنگونه به مسجد الاقصی نمی‌نگرند که سنیها بدان می‌نگرند و مسجدالاقصی نزد شیعه‌ها از چنان جایگاه و ارزشی برخوردار نیست که سنیها بدان معتقد اند، زیرا مسجدالاقصی از نظر شیعه‌ها در آسمان است حتی بعضی از آنها اقرار می‌نمایند که مسجدی که هم اکنون در فلسطین است و به بیت المقدس معروف و مشهور است، جایگاه و ارزشش از مسجد کوفه کمتر است. البته بدون شک این سخن افترای محض بر دین خدا است زیرا نه در قرآن و نه در سنت پیامبر ﷺ هیچ گونه ارزش و جایگاهی برای مسجد کوفه به ثبوت نرسیده است. (مرجع: سایت شیخ دکتور حسام الدین عفانه -موضوع- «یسألونک علی شبکه العالمیه: دنف. WWW.YASALOONAK.NET, و همچنین سایت الحقیقه:

## ارزش و جایگاه مسجدالاقصی نزد مسلمانان

پس از ذکر شبهات همه آنهايي که نسبت به جایگاه مسجدالاقصی شک و تردید داشتند، شایسته است که به بیان و توضیح جایگاه آن نزد اهل سنت و جماعت بپردازیم که در نتیجه سستی و بی پایگی ادعاهای باطل و بی ارزش آنها ثابت و محرز خواهد شد. خداوند می فرماید:

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا نَصِفُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۸]

بلکه (ما چنین نمی خواهیم و) حق را به جان باطل می اندازیم، و حق مغز سر باطل را از هم می پاشد و باطل هرچه زودتر محو و نابود می شود. وای بر شما (ای کافران) به سبب توصیفی که می کنید (از بی هدفی جهان، و از افترائی که بر خدا و فرستاده یزدان می بندید)

بدون شک مسجدالاقصی و بیت المقدس دارای فضایل و برکات فراوانی هستند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ ذکر شده است، و هیچ کسی در آن شک و تردید ندارد مگر کسی که قلبش پر از حقد و کینه است، و مایقین داریم که بیشتر مردم نیازی به یادآوری جایگاه و ارزش مسجدالاقصی و سرزمین پاک و مبارک آن ندارد. زیرا اقوال و سخنان آنهايي که شک و تردید را در این زمینه ایجاد می کنند از خانه عنکبوت سست تراند. اما با وجود آن، مناسب می دانیم که خیلی مختصر واقعیهایی را در این رابطه متذکر شویم. و قرآن بهترین اندرز به ما می دهد آنجا که خبر می دهد که نابخردان معترض و روی گردان می شوند وقتی که مسلمانان تغییر قبله می دهند و از بیت المقدس روی گردان و به مسجدالحرام روی می کنند، و این حقیقت را به پیامبرش یاد داد پیش از آن که به او دستور تغییر قبله بدهد آنجا که می فرماید:

﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْنَاهُمْ عَنْ قِبَلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِمْ قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [البقرة: ۱۴۲]

نابخردان مردم خواهند گفت: چه چیز ایشان را از قبله خود که بر آن بودند برگرداند؟ بگو: خاور و باختر (و همه جهات دیگر) از آن خدا است. هر که را بخواهد به راه راست رهبری می‌نماید.

خداوند در این آیه کسانی که چنین سخنانی را می‌گویند به نابخرد و سفیه توصیف می‌نماید زیرا از حکم خدا و شریعت او روی گردان و معترض شده‌اند، و قول خداوند که می‌فرماید ﴿السُّفَهَاءُ﴾ کافی است برای رد و بی‌ارزشی سخن آنها، اما با وجود آن، خداوند این شبهه را ترک نکرده بلکه آن را برطرف نموده و حقیقت را برای آنهایی که به چنین اعتراضی مواجه می‌شوند کشف و برملا می‌سازد و می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ﴾ یعنی: ای محمد! آنها را جواب ده و بگو: مشرق و مغرب و تمام جهات ملک خدا و از آن خدا جل جلاله است.

## اصول و مبادی ما در مورد جایگاه مسجدالاقصی

برای اینکه اهداف و موضعگیری ما در برابر جایگاه مسجدالاقصی برای مردم و همچنین برای کسانی که شک و شبهه ایجاد می‌کنند، واضح و روشن باشد، اسناد و مدارک خود را در مورد جایگاه و ارزش مسجدالاقصی و سرزمین صاف و پاک اسری را به تفصیل نقل می‌کنیم تا خطوط و نقشه‌ها روشن و حقایق و واقعیتها آشکار و واضح گردند. و اینک بیان آنها:

مسجدالاقصی و سرزمین مقدس نامشان در آیات متعددی در کتاب خدا ذکر شده است و تمام مفسرین بر فضیلت و برتری مسجدالاقصی اتفاق نظر دارند. و برای اثبات قول خود تنها به آیه اول سوره اسراء که در رابطه با جایگاه قدس و مسجدالاقصی است، اکتفا ننموده‌اند بلکه علاوه بر آن - که هیچ گونه اختلافی در آن نیست، آیات دیگری را نیز جمع نموده و بدانها استدلال می‌نمایند:

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ، لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا حَوْلَهُ، لِنُرِيَهُ، مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الإسراء: ۱]

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

- ﴿وَجَعَلْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۱]

و او و لوط را (از مکر و کید کافران) رستگار و به سرزمینی گسیل داشتیم که (از لحاظ مادی و معنوی) پر خیر و برکتش برای جهانیان کرده ایم.

- ﴿وَلَسَلِّمَنَّ الْرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِ رَبِّهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۱]

ما باد تند و سریع را فرمانبردار سلیمان کرده بودیم تا به فرمان او به سوی سرزمینی حرکت کند که پر خیر و برکتش ساخته بودیم. و (این، جای شگفت نیست، چرا که) ما بر هر چیزی آگاه و دانا بوده (و هستیم).

- ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَهْرَهُ وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ﴾

﴿[سبأ: ۱۸]﴾

میان آنان و شهرهای دیگری که پر برکت و نعمت کرده بودیم، شهرکها و روستاهائی ساخته و پرداخته بودیم که (از یکی، دیگری) نمایان بود، و در میان آنها فاصله های مناسب و نزدیک به هم ترتیب داده بودیم (به گونه ای که امنیت برقرار بود و نیازی هم به حمل آب و توشه سفر دیده نمی شد. توسط انبیاء بدیشان پیام دادیم که) شبها و روزها در امن و امان در آن جاها سیر و سفر کنند (و از حق منحرف نشوند و به یاد الطاف خدا باشند و پرستش او را فراموش ننمایند).

- ﴿وَاللَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾ ۱ ﴿وَطُورِ سِينِينَ﴾ ۲ ﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾ ۳ [التین: ۱ تا ۳]

سوگند به انجیر و زیتون! و سوگند به طور سینین! و سوگند به این شهر امین (مکه)!

بعضی از مفسرین می گویند: منظور از تین: بلاد و سر زمین شام؛ و مقصود از زیتون: بیت المقدس است.

- ﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ﴾

﴿حَطَّيْكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۵۸]

و (به یاد آورید) آن گاه را که گفتیم: به این شهر (بزرگی که پیغمبرتان موسی برایتان نام برده است) وارد شوید و هرگونه که می خواهید و هر چه که لازم دارید فراوان و آسوده بخورید و از دروازه (آن شهر) با خشوع و خضوع وارد شوید و بگوئید: خدایا! از



گناهان ما درگذر، تا گناهان شما را بیامرزیم. ما به نیکوکاران (از عفو و مغفرت) فزونتر می‌بخشیم.

﴿يَقَوْمُ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾﴾ [المائدة:

[۲۱]

ای قوم من! به سرزمین مقدسی وارد شوید که خداوند دخول بدانجا را برای شما مقدر کرده است، و (در برابر دشمن سرسختی که در آنجا بسر می‌برد پای به فرار نگذارید و) پشت مکنید، تا زیانکارانه برنگردید (و یاری و خوشنودی خدا را از دست ندهید).

مسجدالاقصى دومین مسجدی است که پس از مسجد الحرام، روی زمین بنا شده است.

عن أبي ذرٍّ رضی الله عنه قال: «قلت: يا رسول الله! أي مسجد وضع في الأرض أول؟ قال: المسجد الحرام. قلت: ثم أي؟ قال: المسجد الأقصى قلت: كم كان بينهما؟ قال: أربعون سنة، ثم أينما أدركتك الصلاة بعد فصله فإنَّ الفضل فيه»<sup>۱</sup>.

از ابی ذر رضی الله عنه روایت شده است که گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است، کدام مسجد است؟ فرمود: مسجدالحرام است. گفتم: پس از آن؟ فرمود: مسجدالاقصى. گفتم چقدر فاصله زمانی باهم داشتند؟ فرمود: چهل سال. سپس فرمود هرگاه وقت نماز فرا رسید آن را بخوان که فضیلت در آن است.

مسجدالاقصى و دور برش دارای برکت هستند زیرا در سرزمینی واقع شده است که خداوند آن سرزمین را پر برکت نموده است. چنانکه می‌فرماید:

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ ۚ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَنَيْنَا حَوْلَهُ ۚ لَنُريَهُ مِن آيَاتِنَا ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾﴾ [الإسراء: ۱]

۱- روایت از بخاری، حدیث شماره: ۳۳۶۶ صحیح بخاری-چاپ دارالسلام در ریاض- و چاپ دوم ذی

الحجۃ ۱۴۱۹ هـ - مارس ۱۹۹۹ م.

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

در مورد آن گفته شده که اگر مسجد الاقصی، جز این آیه هیچ فضیلت دیگری نمی‌داشت، باز برایش کافی بود، چرا که این آیه جامع تمام برکتها می‌باشد زیرا وقتی که دور و برش مبارک باشد، مسلم است که خود آن چندین برابر مبارک و برتر است، و از برکت‌های آن، این است که بر همه مسجدها به جز مسجدالحرام و مسجد پیامبر ﷺ برتری دارد.

مسجدالاقصی نخستین قبله مسلمانان است،

«عن براء بن عازب رضی الله عنه قال: کان رسول الله ﷺ صلی نحو بیت المقدس ستة عشر أو سبعة عشر شهراً، وکان رسول الله ﷺ یحب أن یوجه إلى الکعبة، فأنزل الله ﴿قَدْ زَرَّیْ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّیَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا﴾ [البقرة: ۱۴۴] فتوجه نحو الکعبة»<sup>۱</sup>.

از براء بن عازب روایت شده که: پیامبر خدا ﷺ حدود شانزده یا هفده ماه رو به بیت المقدس نماز می‌خواند، و ایشان بسیار دوست داشتند که رو به کعبه نماز بخوانند تا اینکه خداوند آیه فوق را نازل فرمود، که از آن پس رو به کعبه نمود. تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، از جایگاه کعبه نکاست، بلکه ارزش و جایگاه آن در دل مسلمانان و در شریعت اسلام، همچنان باقی ماند.

۱- روایت از بخاری، حدیث شماره ۳۹۹ صحیح بخاری- چاپ دارالسلام در ریاض.

مسجدالاقصی جایی است که اسراء پیامبر ﷺ از نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است به سوی دومین مسجد روی زمین از آنجا شروع شد، پس مسجدالاقصی از فضیلت و شرف دو مسجد برخوردار است:

«عن أنس بن مالك رضی الله عنه، أن رسول الله ﷺ قال: «أتيتُ بالبراق - وهو دابة أبيض طويل فوق الحمار ودون البغل يضع حافره عند منتهى طرفه - قال: فركبتُه حتى أتيت بيت المقدس - قال - فربطته بالحلقة التي يربط به الأنبياء - قال: ثم دخلت المسجد فصليت فيه ركعتين ثم خرجت فجاءني جبريل عليه السلام بإناء من خمر وإناء من لبن فاخترت اللبن فقال جبريل: اخترت الفطرة ثم عرج بنا الى السماء»<sup>۱</sup>.

از انس بن مالک روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: براق برایم آورده شد - براق حیوانی سفید رنگ و قدرتمندی است که از الاغ بزرگتر و از قاطر کوچکتر است - سوار آن شدم تا به بیت المقدس رسیدم، آنگاه آن را با حلقه‌ای بستم که پیامبران (حیوان سواری) خود را بدان می بستند، سپس داخل مسجد شدم و دو رکعت نماز در آن خواندم و بیرون رفتم، آنگاه جبرئیل پیمانه‌ای شراب و پیمانه‌ای شیر را برایم آورد که من شیر را انتخاب نمودم و جبرئیل فرمود بهترین و پاکترین را انتخاب نمودی، سپس مرا به آسمان بردند.

مسجدالاقصی: تنها جایی است روی زمین که تمام پیامبران علیهم السلام، از آدم تا حضرت محمد ﷺ در بزرگترین گردهمایی تاریخ در آن گرد آمده و پیامبر ما حضرت محمد ﷺ در شب اسراء و معراج برای همه پیامبران امامت و پیشنمازی نمود، تا اقرار و اثباتی بر اسلامی بودن و صبغه اسلامی داشتن آن باشد. و همچنین برای اینکه امامت و پیشوایی بر مسجدالاقصی را از آن امت محمد اعلام نماید، و نیز اعلان اینکه خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ وارث همه مقدسات آنها، و رسالتش شامل و دربرگیرنده تمام مقدسات آنان، و دین اسلام مورث همه ادیان گذشته می باشد.

۱- روایت از مسلم، حدیث شماره ۲۵۹، صحیح مسلم - چاپ دار السلام در ریاض و چاپ دوم در ماه محرم ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م.

و پیامبران در هیچ جای دنیا گرد نیامده‌اند جز در این مکان، پس مسجدالاقصی از برتری و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

روی مسلم عن أبي هريرة رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «لقد رأيتني في الحجر وقریش تسألني عن مسرای فسألتنی عن أشياء من بیت المقدس لم أثبتها، فكُربت كُربة ما كُربت مثله قط قال: فرفعه الله لي أنظرُ إليه ما يسئلوني عن شيء الا أنبأهم به وقد رأيتني في جماعة من الانبياء فإذا موسى قائمٌ يصلی فإذا رجلٌ ضربٌ جعدٌ كأنه من رجال شنوءة وإذا عيسى ابنُ مريم قائمٌ يصلی أقرب الناس به شبهاً عروة بنُ مسعود الثقفي وإذا إبراهيم قائمٌ يصلی أشبه الناس به صاحبكم - يعني نفسه - فحانت الصلاة فأمتهم فلما فرغت من الصلاة قال قائلٌ: يا محمد! هذا مالک صاحب النار فسلم عليه. فالتفتُ إليه فبدأني بالسَّلام»<sup>۱</sup>.

امام مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت نموده که گفت: پیامبر خدا ﷺ فرمود: خود را در حجر دیدم و قریشیها در مورد مسیر اسراء و شب‌روی من، و نیز در مورد چیزهایی از بیت المقدس سؤال می نمودند که تا آن وقت چنین چیزهایی را نشنیده بودم، بسیار برایم ناراحت کننده و ناخوشایند بود به گونه‌ای که هرگز آن قدر نگران نشده بودم، خداوند مرا بلند نمود و تمام چیزهایی که از من می پرسیدند را دیدم و هر چیزی را که از من می پرسیدند آن را جواب می دادم، ناگهان خود را در میان گروهی از پیامبران یافتم، دیدم که موسی در انتظار نماز است او مردی خسته و موفرفری و چین چین شده بود گوئی که از مردان بیزار و متنفر است. ناگاه عیسی بن مریم ﷺ را دیدم که ایستاده نماز می خواند، که عروه بن مسعود ثقفی از همه کس بیشتر به او شباهت داشت. بعد ابراهیم ﷺ را دیدم که او نیز ایستاده و نماز می خواند و شبیه‌ترین کس به او، یار و صاحب شما - یعنی خود حضرت محمد - بود، وقت نماز فرا رسید و من برایشان امامت نمودم، وقتی که از نماز فارغ شدم کسی ندا داد، ای محمد! این شخص مالک (نگهبان) آتش دوزخ است بر او سلام کن، پس به سوی او توجه والتفات نمودم اما او از من پیشی گرفت و سلام کرد

۱- روایت از مسلم، حدیث شماره ۲۷۸، صحیح مسلم - چاپ دارالسلام.

مسجدالاقصى: جایی است که پیامبر ﷺ آن را ستوده و بر فضیلت و شأن آن گواهی داده و خبر داده که دلهای مسلمانان بدان متعلق است زیرا او دارای رتبه‌ای است که مسلمان دوست دارد جای کوچکی را داشته باشد و از آن به مسجدالاقصى بنگرد و آن را ببیند و این مکان از نظر او دوست داشتنی‌تر است از همه دنیا و آنچه در آن است.

عن أبي ذر رضی الله عنه قال: «تذاكرنا عند رسول الله ﷺ أيهما أفضل: أم مسجد رسول الله أم بيت المقدس؟ فقال رسول الله: صلاة في مسجدی أفضل من أربع صلوات فيه، ولنعم المصلی هو، وليوشكن أن يكون للرجل مثل شطن فرسه من الأرض حيث يرى منه بيت المقدس خير له من الدنيا جميعاً. أو قال: خير من الدنيا وما فيها»<sup>۱</sup>.

از ابی ذر رضی الله عنه روایت است که گفت: پیش پیامبر خدا ﷺ در مورد مسجد پیامبر و مسجدالاقصى بحث و گفتگو می کردیم که کدام یک از آنها بزرگتر است، مسجد پیامبر یا بیت المقدس؟ پیامبر ﷺ فرمود: یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در بیت المقدس است. و آنجا (بیت المقدس) بهترین نماز خانه است چیزی نمانده یک نفر آن قدر به بیت المقدس نزدیک شود که آن را ببیند و چنین چیزی برای او بهتر است از تمام دنیا. — در روایت دیگر — بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

مسجدالاقصى جایی است که پیامبر خدا ﷺ مژده فتحش را پیش از آن که فتح شود، داده بود. و آن مژده از جانب پیامبر ﷺ از نشانه‌های نبوت می‌باشد.

عن عوف بن مالك، قال: أتيت النبي ﷺ في غزوة تبوك، وهو في قبة من آدم فقال: «اعدد ستاً بين يدي الساعة» — ذكر منها — ثم فتح بيت المقدس...<sup>۲</sup>.

از عوف بن مالک روایت شده که گفت: در غزوه تبوک پیش پیامبر خدا ﷺ رفتم در حالی که ایشان در گنبدی چرمی نشسته بودند فرمود: شش چیز را از نشانه‌های قیامت می‌باشند؛ آنها را ذکر نمود و یکی از آنها فتح مکه بود. مسجدالاقصى سنگر گروه پیروز و تهِ خانه مؤمنان است.

۱- حاکم آن را خارج نموده و آنرا صحیح دانسته است. ذهبی و آلبانی نیز با او موافق بودند.

۲- روایت از بخاری، حدیث شماره: ۳۱۷۶، صحیح بخاری چاپ دارالسلام - ریاض.

«عن عمران بن حصین، قال: قال رسول الله ﷺ: «لا تزال طائفة من أمتي يقاتلون على الحق ظاهرين على من ناوَاهم حتى يُقاتل آخرُهُم المسيح الدجال»<sup>۱</sup>.

همواره گروهی از امت من جهاد و در برابر دشمنان پایداری و ایستادگی می‌کنند و در راستای آشکار نمودن و حمایت از آرمانهای دین مبارزه می‌کنند تا آخرین نفر از آنها مسیح دجال را می‌کشد.

و معلوم و مشخص است که عیسی بن مریم، مسیح دجال را در باب لد در فلسطین می‌یابد و آن را به قتل می‌رساند.

**مسجد الاقصی:** و بیت المقدس سرزمینی هستند که بندگان در آنجا حشر و نشر می‌گردند. از میمونۀ بنت سعد کنیز پیامبر ﷺ روایت است که از پیامبر خدا ﷺ پرسید: ای پیامبر! در مورد بیت المقدس برایمان صحبت کن. پیامبر ﷺ فرمود: «أرض الخضر والمنشور»<sup>۲</sup> یعنی آنجا سرزمین حشر و گردهمایی خلائق است.

**مسجد الاقصی** پناهگاه و سنگر مؤمنان در برابر دجال است و دجال وارد آن نمی‌شود. قال رسول الله ﷺ عن الدجال: «...علامته يمكث في الأرض أربعين صباحاً يبلغ سلطانه كلَّ منهل، لا يأتي أربعة مساجد: الكعبة ومسجد الرسول والمسجد الاقصي والطور...»<sup>۳</sup>.

پیامبر ﷺ در مورد دجال فرمود: نشانه آن این است که چهل صباحی (چهل روز) در زمین می‌ماند که سلطه و قدرتش همه آبشخور و چشمه‌ها را فرا می‌گیرد جز چهار مسجد که دجال نمی‌تواند داخل آنها شود کعبه، و مسجد پیامبر ﷺ، و مسجد الاقصی،

۱- احمد، وابو داود، و حاکم، و طبرانی در کتاب: الکبیر "آن را خارج نموده و آلبانی هم آنرا صحیح دانسته و در صحیح خود آنرا آورده است. حدیث شماره: ۲۴۸۴، در فصل باب فی دوام الجهاد سنن ابو داود انتشارات کتابخانه معارف در ریاض، چاپ اول.

۲- احمد و ابن ماجه این حدیث را خارج نموده اند و آلبانی هم در کتاب "تخریج أحادیث فضائل الشام ودمشق، تألیف ربیع. آن را صحیح دانسته است.

۳- امام احمد این حدیث را تخریج نموده. حدیث شماره: ۲۴۰۸۵، ۲۴۰۸۴، ۲۴۰۸۳، ۲۳۴۷۸، و سند آن با شرط شیخین صحیح می‌باشد، مسند امام احمد، چاپ: بیت الافکار الدولية: ۲۰۰۴م.

و طور مسجد الاقصی جایی است که بارسفر برای زیارت آن بر بسته می شود و علما اتفاق دارند بر اینکه زیارت بیت المقدس و خواندن نماز در آن سنت است. و درست نیست که برای زیارت سفر نمود جز سه مسجد که مسجد الاقصی یکی از آنها است. و آن سه مسجد فضل و برتری را بر دیگر مساجد دارند، در صحیحین از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لا تُشَدُّ الرحال إلّا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجد الرسول صلی الله علیه و آله، ومسجد الاقصی»<sup>۱</sup>.

بار سفر بر بسته نمی شود جز برای زیارت سه مسجد. مسجد الحرام، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و مسجد الاقصی.

به همین جهت بسیاری از اصحاب برای نماز در مسجد الاقصی بدانجا سفر نموده اند، و پس از آنها نیز سلف صالح و گذشتگان خداجو ن آنهایی که مسجد الاقصی را با حلقه های علم و طالبان آن، آباد نموده اند.

نووی رحمته الله می گوید: این حدیث بیانگر عظمت و شکوه و فضیلت این سه مسجد و امتیاز و برتری آنها بر دیگر مساجد است زیرا آنها مساجد پیامبران صلی الله علیه و آله بوده اند. و نماز در آنها ثواب بیشتری دارد و سفر برای زیارت آنها فضیلت دارد. و نزد جمهور علما سفر به سوی غیر این مساجد فضیلت و اهمیت ندارد، و شیخ ابو محمد جوینی از یاران ما، می گوید: سفر برای زیارت هر جایی جز این سه مسجد حرام است<sup>۲</sup>.

و حافظ می گوید: این حدیث بیانگر فضیلت این سه مسجد و مزیت آنها بر سایر مسجدها می باشد زیرا این سه مسجد، مسجد پیامبران بوده اند زیرا مسجد اول (مسجد الحرام) نخستین قبله مردم و محل حج مسلمانان بوده است. و مسجد دوم (مسجد

۱- بخاری این حدیث را روایت کرده است، حدیث شماره: ۱۱۸۹، صحیح بخاری: چاپخانه: دارالسلام، ریاض.

۲- المنهاج: شرح صحیح مسلم.

النبي) قبله امتهای پیشین بوده است و سومی (مسجدالاقصى) بر تقوی بنا نهاده شده است.<sup>۱</sup>

و از شیخ الاسلام ابن تیمیه در مورد حکم زیارت بیت المقدس و نماز در آن، سؤال شد. ایشان فرمودند: در صحیحین آمده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: بار سفر بربسته نمی شود جز برای زیارت سه مسجد..... این حدیث در صحیحین از ابی سعید و ابی هریره و از کسان دیگری نیز روایت شده است. و درجه این حدیث، مستفیض و مورد قبول و تصدیق است. و اهل علم بر صحت و مقبولیت آن اجماع و اتفاق دارند و همه علما، سفر به بیت المقدس و ادای عبادات مشروع در آنجا را سنت دانسته اند، و ابن عمر (عبدالله بن عمر) بدانجا می رفت و در آن نماز می خواند.<sup>۲</sup>

مسجد الاقصی: ثواب نماز در آن چندین برابر جاهای دیگر است. از ابو ذر رضی الله عنه روایت است که گفت: نزد پیامبر خدا ﷺ بودیم و در مورد مسجد پیامبر و بیت المقدس بحث می کردیم که کدام یک از آنها برتر است؟ پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«صلاة في مسجدي أفضل من أربع صلوات فيه، ولنعم المصلی هو، وليوشكن أن يكون للرجل مثل شطن فرسه من الأرض حيث یری منه بیت المقدس خیر له من الدنيا جميعاً. أو قال خیر من الدنيا وما فيها»<sup>۳</sup>.

یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در بیت المقدس است. و آنجا (بیت المقدس) بهترین نماز خانه است چیزی نمانده یک نفر آن قدر به بیت المقدس نزدیک شود که آن را ببیند و چنین چیزی برای او بهتر است از تمام دنیا. - و در روایت دیگر- بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

۱- الفتح (۶۰۳/۳)

۲- مجموع فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه (۲۷/۶) چاپ دوم سال ۱۳۹۸هـ- تهیه و تنظیم: عبدالرحمن نجدی حنبلی.

۳- حاکم این حدیث را خارج نموده و آن را تصحیح نموده و ذهبی نیز با او موافق بوده. و آلبانی هم آن را صحیح دانسته است.



مسجد الاقصی: نماز در آن دارای فضیلت بزرگی است. نسائی از عبدالله بن عمرو بن عاص از پیامبر خدا ﷺ روایت نموده که فرمود: وقتی که سلیمان از بنای بیت المقدس فارغ شد سه چیز را از خدا درخواست نمود: قدرت و حکمی که بر اساس حکم خدا باشد، سلطه و قدرتی که پس از او به کسی داده نشده باشد، و اینکه هرکس داخل این مسجد شود تنها به قصد خواندن نماز در آن، از گناهانش پاک شود همچون روزی که از مادرش متولد شده است. پیامبر ﷺ فرمود: «أما اثنان فقد أعطيهما، وأرجو أن يكون أعطي الثالثة»<sup>۱</sup> دو تای اولیش به من داده شده اما از خدا می خواهم که سومی را نیز به من بدهد. مسجد الاقصی: و قدس و فلسطین از روز ازل، پاک و مقدس بوده اند. خداوند می فرماید:

﴿يَقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ﴾ [المائدة: ۲۱]

ای قوم من! به سرزمین مقدسی وارد شوید که. .... و این آیه خطاب موسی علیهِ السلام به قومش بود، قبل از اقامت بنی اسرائیل در فلسطین، و پیش از انبیاء بنی اسرائیل، آنهای که یهود فکر می کرد که وارث آنها است. و خداوند در مورد ابراهیم و لوط می فرماید:

﴿وَجَعَلْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۱]

و او و لوط را (از مکر و کید کافران) رستگار و به سرزمینی گسپل داشتیم که (از لحاظ مادی و معنوی) پرخیر و برکتش برای جهانیان کرده ایم. و آن برکت قبل از ابراهیم علیهِ السلام نیز در آنجا وجود داشت. به همین جهت یبوسیه<sup>۲</sup> در کنار و حوالی آن سکونت گزیدند نه در داخل آن زیرا داخل آنجا محل عبادت بود نه سکونت.

۱- این حدیث را نسائی وابن ماجه روایات نموده اند، حدیث شماره ۱۴۰۸، سنن نسائی انتشارات مکتبه المعارف در ریاض چاپ اول.

۲- یبوسیه گروهی از اعراب نخستین بودند که در قلب جزیره العرب پیدا شدند و نشأت گرفتند سپس همراه چند قبیله از کنعانیهایی که خود را به آنجا نسبت می دادند از آنجا به قدس مهاجرت نمودند، و آنها نخستین کسانی بودند که در قدس ساکن شدند و در آنجا خانه ساختند.

**مسجدالاقصی:** تعداد زیادی از اصحابن داخل آن شدند. و از مناطق دور به قصد زیارت یا سکونت و یا وعظ و ارشاد بدانجا سفر نموده‌اند از جمله ابو عبیده بن جراح، که در فتح شام فرمانده لشکر بود، و بلال بن رباح، که در فتح بیت المقدس همراه لشکر عمر بن خطاب رضی الله عنه بود و در مسجدالاقصی اذان داد، و معاذ بن جبل، که ابو عبیده پس از فوت خود او را به جانشینی منصوب نمود، و خالد بن ولید، شمشیر از غلاف کشیده خدومه در فتح بیت المقدس حضور داشت، و عبادۀ بن صامت نخستین کسی که به امر قضاوت در فلسطین منصوب شد و در آنجا سکونت گزید و در همان جا دفن گردید، تمیم بن اوس داری، عبدالله بن سلام که وارد بیت المقدس شد و در فتح آن نیز حضور داشت از کسانی است که مژده بهشت به او داده شده، و همچنین تعداد زیاد دیگری از اصحاب که بدانجا سفر نموده‌اند.<sup>۱</sup>

**مسجدالاقصی:** خاکش از هر سرزمینی که مسلمانان آن را فتح نموده‌اند جدا و متمایز است زیرا آنجا تنها شهری است که خلیفه راشد عمر بن خطاب رضی الله عنه شخصا برای فتح و تحویل گرفتن کلیدهایش از مدینه خارج شده و در محوطه مسجدالاقصی پس از آنکه خداوند فتح بیت المقدس را برای مسلمانان آسان نمود، مصلاهی را- در سال ۱۵هـ- بنا کرد، و زمین‌های پر برکتش را وقف نمود تا امانتی باشد در گردن امت تا روز قیامت.

**مسجدالاقصی:** جایی است که اتباع و پیروان محمد صلی الله علیه و آله و سلم جان خود را جهت طرد و دور انداختن رومیها و صلیبیها در آن نثار نمودند و نه بار حمله صلیبیها بدانجا را با فرماندهی نورالدین محمود زنکی، و صلاح الدین ایوبی و دیگر حاکمان مسلمان و فرماندهانی که فرماندهی مجاهدین را به عهده داشتند، خشی نمودند تا اینکه پس از ۹۱ سال غصب و اشغال بیت المقدس، آن را از چنگال غاصبین آزاد نمودند، زیرا ارزش و جایگاه اقصی و قدس در دلها بسیار بزرگ است، و آنجا سرزمین پاک و مبارک مسلمانان

---

۱- برای آگاهی بیشتر درمورد نام کسانی که به مقصد بیت المقدس سفر نموده اند به کتاب: مثير الغرام الی زیارت القدس والشام، و همچنین کتاب: الانس الجلیل بتاریخ القدس والخلیل. مراجعه نمایید.

است، و این از اعتقادات ما است، و هرگز دشمن نخواهد توانست محبت آن را در دلها برکند هر اندازه تلاش کند و به دروغ پردازی و شایعه پراکنی بپردازد.

مسجدالاقصى: همواره محل و جای اهتمام علمای اسلامی بوده، و آنچه که علمایان اسلامی در قرون اول و قرنهای بعدی در زمینه فضائل مسجدالاقصى نوشته‌اند، بر جایگاه و اهمیت آنجا دلالت دارد، که این نوشته‌ها هنوز هم مورد تحقیق و تدریس هستند بگونه‌ای که هیچ شهر دیگری تا این اندازه رنگ و رو و صبغه و وجهه جهانی نداشته است، اهتمام و توجه سلف صالح و علمای اعلام به مسجدالاقصى و سرزمین مبارک واضح و آشکار است، و کثرت تألیفات و نوشته‌هایی که در زمینه فضائل قدس و بیت المقدس، و مسجدالاقصى نوشته‌اند و همچنین تشویق و ترهیبهایی که برای زیارت آنجا نموده‌اند دال بر این واقعیت است.

ما هر اندازه در مورد فضایل مسجدالاقصى بحث کنیم نخواهیم توانست حق مطلب را ادا کنیم و آنگونه که خداوند آنرا تعریف نموده است، آن را بستانیم چنانکه می‌فرماید:

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ، لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ، لِنُرِيَهُ، مِنْ عَيْنِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الإسراء: ۱]

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصى (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

اگر مسجدالاقصى هیچ فضیلتی نمی‌داشت جز این آیه که در شأن آن نازل شده است برای بیان فضیلت و ارزشش کافی بود زیرا وقتی که حوالی و دور و برش مبارک باشد مسلم است که خود آنجا از فضیلت و برکات بیشتری برخوردار است. و یکی از فضایلش

---

این است که بر سایر مساجد به جز مسجد پیامبر ﷺ و مسجد الحرام، برتری داده شده است.

## و در پایان می‌پرسیم

چگونه مسجدالاقصی در آسمان است در حالی که پیامبر ﷺ مژده فتح آن را داده است، و فضیلت آن را با جمله «ولنعم المصلی هو»- بهترین جای نماز آنجا است- بیان می‌دارد؟!!

چگونه در آسمان است!! در حالی که خداوند دور و بر آن را پر برکت نموده است، و لفظ برکت را هفت بار در قرآن برای سرزمین فلسطین یعنی سرزمین بیت‌المقدس به کار برده است، و آیا همه آسمان مبارک نیست؟!!

چگونه در آسمان است!! و حال آنکه پیامبر ﷺ در جواب اصحاب، آنگاه که در مورد فضیلت و برتری مسجد پیامبر و بیت‌المقدس سؤال نمودند، فرمود: «صلاة فی مسجدی هذا بأربع صلوات فیه» یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در آن ثواب دارد؟!!

چگونه در آسمان است در حالی که نماز در آن اجر و ثوابش برای مسلمانان چندین برابر است، و به همین جهت، اصحاب کرام برای زیارت و ادای نماز در آن بار سفر بر بسته و فرسنگها راه را طی نموده تا به آن اجر و ثواب نائل شوند! مگر نه این است که آن جا مقام و محل نسل پیروز و قعر خانه ایمان داران، و سرزمین حشر و نشر است؟!!

چگونه در آسمان است!! و حال آنکه دژ و قلعه پیامبران و محل دعوت مردم به سوی توحید و یکتاپرستی بوده است؟!! و پیامبر عظیم‌الشأن ما حضرت محمد ﷺ به سوی آن به اسراء برده شد و از آنجا به بلندای آسمان سفر نمود! و همچنین پیامبر راستگو و امین به ما خبر داده که: «إِنَّ الدَّجَالَ لَن يَدْخُلَهُ وَفِيهِ يَتَحَصَّنُ الْمُؤْمِنُونَ». - دجال داخل آن نمی‌شود و مؤمنان در آنجا خود را پناه می‌دهند؟!!

چگونه در آسمان است؟!! در حالی که در حدیث ثابت و قطعی شده که آنجا نخستین مسجدی است که پس از مسجدالحرام، در روی زمین بنا شده؟ چنانکه ابوذر رضی الله عنه می‌فرماید: «قلت: یا رسول الله! أی مسجد وضع فی الأرض أوّل؟ قال: المسجد الحرام. قال:

قلت: ثم أي؟ قال: المسجد الأقصى قلت: كم كان بينهما؟ قال: أربعون سنة ثم أينما أدركتكم الصلاة بعد فصله، فإن الفضل فيه<sup>۱</sup>.

از پیامبر خدا ﷺ پرسیدم نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است، کدام مسجد است؟ فرمود: مسجد الحرام است. گفتم: پس از آن؟ فرمود: مسجد الاقصی. گفتم چقدر فاصله زمانی باهم دارند؟ فرمود: چهل سال. سپس فرمود در هر جا وقت نماز فرا رسید در همان جا آن را بخوان که فضیلت در آن است.

چگونه در آسمان است در حالی که حدیث «لاتشده الرحال إلا إلى...» که در مورد آن است، حدیثی است متواتر، که گروهی از اصحاب آن را روایت نموده و سپس گروهی دیگر (تابعین) که مورد ثقه و اعتماد هستند از آنها روایت نموده، و به همین ترتیب تمام امت آن را قبول داشته و سلف صالح و ذریه و اتباع آنها تا به امروز بدان عمل نموده‌اند؟! و هیچ یک از مسلمانان در اینکه مسجد الاقصی همان مسجد قدس است، و پیامبر ﷺ به سوی آن به اسراء برده شد، شک و تردید نداشته‌اند.

چگونه در آسمان است در حالی که در روایات مستند و صحیح نیامده و برای ما نقل نشده که تنها یکی از اصحاب ﷺ چنین تصور کرده باشد که مسجد الاقصی، مسجدی باشد در آسمان بلکه آن همان مسجدی است که پیامبر ﷺ برای آنها توصیف نموده و کسانی که آنجا را زیارت کرده‌اند، او را تصدیق نموده‌اند و خداوند در باره پیامبرش می‌فرماید:

﴿وَمَا يَطَّقُ عَنِ الْمَوْتِ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْوَحِيُّ الْيُحْيِ﴾ [النجم: ۳ و ۴]

و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید. آن (چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا بدو) وحی و پیام می‌گردد.

چگونه در آسمان است در حالی که به تواتر رسیده و نسل پس از نسل این امت مسجد الاقصی را همان مسجد قدس دانسته‌اند و اصلاً تصور نمی‌شود که کسی خلاف آنرا ادعا کند!!

۱- روایت از بخاری، حدیث شماره: ۳۳۶۶ صحیح بخاری چاپ دارالسلام در ریاض.

بنا بر این به دانشمندان و محققین یهودی و گذشتگانیشان از مستشرقین و همچنین کسانی که همچون آنها فکر می‌کنند، مانند شیعه های رافضی؛ می‌گوییم: هیچ کدام از اصحاب و تابعین و تابع تابعین و علمای امت اسلامی قایل به چنین سخنی نبوده، و آنچه را که از آیات و روایات و احادیث فهم و استنباط نموده‌اند، این است که مسجدالاقصی همان مسجد بیت‌المقدس است و همه امت، اعم از پیشوایان و اصحاب و تابعین و محدثین و فقها و دانشمندان در طول چهارده قرن، مسجدالاقصی را همان مسجد بیت‌المقدس دانسته و هیچ کدام از آنها آنرا انکار ننموده‌اند، با این وصف آنها گمان می‌کنند که مسجدالاقصی مسجدی است در آسمان!!

بدانها می‌گوییم! هر اندازه در صدد توطئه باشید و سم پاشی نمایید موفق نخواهید شد. زیرا دل‌های اصحاب پیامبر ﷺ پیش از فتح شام مشتاق و آرزومند فتح بیت‌المقدس بودند؛ و آنها خوب می‌دانستند که سرزمین پر برکت و مبارکی که در قرآن ذکر شده، همان سرزمین قدس و فلسطین است.

و خدا را سپاس گذاریم که ما نیستیم آنجا را بیت‌المقدس نام نهاده باشیم بلکه خدایی آنجا را نام گذاری نموده که شنوا و بینا است. و ما نیستیم که ادعا کرده باشیم که پیامبر ﷺ از مسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی أسراء نموده است بلکه این واقعیتی است آشکار و حقیقتی است واضح که نص صریح کلام خدا ﷻ و سنت متواتر پیامبر عظیم الشأن ﷺ بر آن دلالت دارند.





## گفتار پایانی

ما هیچ گونه شک و تردیدی نداریم که همه مسلمانان بر جایگاه و ارزش مسجدالاقصی اتفاق و اجماع دارند و برتری آن واقعیتی است که هیچ گونه باطلی در آن راه ندارد، و مسجدالاقصایی که در قرآن ذکر شده است عین همان مسجدی است که در بیت المقدس قرار دارد؛ اما شیعه‌ها آن گونه به مسجدالاقصی نمی‌نگرند که سنیها به آن می‌نگرند و از نظر آنها بیت المقدس از چنان جایگاهی برخوردار نیست که اهل سنت برایش قائل‌اند، زیرا بعضی از آنها معقول نمی‌دانند که مسجدالاقصی و قدس دارای جایگاه و ارزشی باشد در حالی که عمر فاروق رضی الله عنه آن را فتح نموده و امویها تجدید بنایش نموده‌اند و صلاح الدین ایوبی آنرا از چنگال دشمنان آزاد نموده و زخم دل صلیبی‌های کینه‌توز را عمیق‌تر و شدیدتر نموده است و آنها را در بلاد مسلمانان اخراج نموده است.

### اقوال و دیدگاه شیعه در مورد مسجدالاقصی به سه دسته تقسیم می‌شود:

#### دیدگاه اول

این دسته فکر می‌کنند که مسجد قدس، مسجدالاقصی نیست، و منظور از مسجدی که آیه اول سوره اسراء به آن اشاره دارد، بیت المعمور است که در آسمان چهارم قرار دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنجا به اسراء برده شده.

آنها مسجدالاقصای فلسطین را جزو سه مسجدی که زیارتی هستند و سفر برای زیارت آنها مستحب است، به حساب نمی‌آورند، و می‌گویند که بنای آن تازه و در عهد امویها صورت گرفته و امویها قداست آنرا شایع نموده و مردم را برای حج و زیارت آن دستور داده‌اند و احادیثی را برای ترغیب مردم جهت زیارت آن، وضع نمودند!! و اهمیت دادن سیاست مداران شیعه به مسجدالاقصی از لحاظ سیاسی است نه عقیدتی و تعبدی.

#### دیدگاه دوم

به اعتقاد این گروه، اگرچه در مراجع و تفاسیر و اخبار و روایات آنها نصوصی دال بر اینکه مسجدالاقصی مسجدی است در آسمان، وجود دارد، اما این از جایگاه و ارزش مسجد قدس و ضرورت دفاع از آن و آزاد سازی آن نمی کاهد زیرا در هر صورت مسجدالاقصی متعلق به مسلمانان؛ اما با این وصف هم جایگاه و ارزش مسجد کوفه و کربلا و قم از جایگاه مسجدالاقصی بیشتر است.

### دیدگاه سوم

این گروه مسجدالاقصی را همان مسجدی می دانند که در اول سوره اسراء ذکر شده و فضل و برتریش بر سایر مساجد به جز مسجدالحرام و مسجد پیامبر ﷺ و مسجد کوفه مقدم است!! اما در هر صورت جایگاه آن با جایگاه مسجد کوفه و کربلا و دیگر اماکن مقدسه آنها مقایسه نمی شود.

نقطه مشترک این سه دیدگاه این است که: مسجد کوفه و مسجد کربلا و قبر حسین و قبه سامراء بر مسجدالاقصی برتری دارند خواه مسجدالاقصی در زمین باشد یا در آسمان!! و این سخنی است خیلی تعجب آور و بسیار خطرناک، و تناقض گویی واضح و آشکار است.

توانایی و تندرستی را از خداوند منان خواستاریم، و امیدواریم که توانسته باشیم حقیقت امر را به خوبی بیان نموده باشیم و گمان و تخیلات آنها را به طور شایسته رد نموده باشیم.

و در پایان از خداوند می طلبم که این کار مورد قبول و پذیرش خود قراردادده باشد و آنرا عملی خالصانه برای خود قرار داده باشد، چرا که اگر خوبی کرده ام از جانب اوست و اگر بدی کرده ام از جانب من و از جانب شیطان است...

والحمد لله رب العالمین